

در کارگاه توانمندسازی مربیان پیش دبستانی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران و طرح شد:

انتخاب از شما، هزار فعالیت از ما



یکی از مهم ترین عوامل موفقیت در دنیای امروز، به روزرسانی دانش و مهارت هاست. این امر نه تنها به رشد فردی کمک می کند، بلکه بر عملکرد شغلی و پیشرفت حرفه ای نیز تأثیر بسزایی دارد. یکی از عوامل مهم افزایش بهره وری، همانا تسلط بر ابزارها و فناوری های جدید است. با ابزارها و نرم افزارهای جدید می توان کارها را سریع تر و دقیق تر انجام داد و در نتیجه آن ها را افزایش داد.

برای مثال، وقتی مربی با استفاده از یک رمزبینه به بیش از هزار فعالیت در قالب های متعدد و متنوع مانند فیلم، صدا، موسیقی، قصه صوتی، نمایش و غیره دسترسی داشته باشد، در کوتاه ترین زمان می تواند آن ها را در کلاس خود مورد استفاده قرار بدهد و بچه ها از این تنوع در حوزه تربیت و یادگیری بهره ببرند.

همچنین دانش و مهارت های روز به شما کمک می کند مشکلات پیچیده را با سرعت و دقت بیشتر حل کنید و بهتر تصمیم بگیرید. با گسترش دانش و مهارت های خود، قابلیت های شغلی شما نیز افزایش می یابد و برای موقعیت های شغلی متنوع تر آماده می شوید.

مدیران همواره به دنبال افرادی هستند که به روز می شوند و ارزش افزوده ایجاد می کنند. به روزرسانی دانش و مهارت ها بر فرصت افراد برای ارتقای شغلی نیز می افزاید. شرکت در کارگاه های توانمندسازی که جنبه های آموزشی و کاربردی دارند، پیشرفت و کسب موفقیت های جدید را در پی دارد و بر اعتماد به نفس افراد می افزاید و احساس بهتری نسبت به خود و کار ایجاد می کند.

تسلط مربی بر وظایف خود و حل مشکلات، به دلیل کسب تجربه بیشتر، از سطح فشار روانی مربی و فشار کاری می کاهد و آرامش بیشتری به مربی می دهد.

دنیای کار به سرعت در حال تغییر است. برای موفقیت، باید خود را با این تغییرات وفق دهیم. به روزرسانی دانش و مهارت ها به شما کمک می کند با تغییر همراه شوید و از رقابت عقب نمانید.

همچنین، به روز بودن و شرکت در کلاس ها و دوره ها بر خلاقیت می افزاید و فرد می تواند ایده های جدیدی را ارائه دهد و به بهبود روندهای کاری کمک کند.

این بار در جمع مربیان و مدیران مراکز پیش دبستانی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران حاضر شدیم تا از تازه ترین مطالبی که مدرس برنامه در حوزه تربیت و یادگیری با آنان در میان می گذارد مطلع شویم و نکته های به روز شده بسته «من می دانم، من می توانم» را با آنان در میان بگذاریم. نکته جالب ماجرا اینجا بود که مربیان حاضر در جلسه، از این بسته به مدت یک یا دو دوره در کلاس های خود استفاده کرده بودند و از تجربه های خوبی در این زمینه برخوردار بودند. به همین دلیل، در لابه لای صحبت های سخنران جلسه، پرسش های خود را به راحتی مطرح می کردند و پاسخ لازم را دریافت می کردند. با ما همراه باشید.



تغییرات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

سید کمال شهابلو، مدیر تولید انتشارات قصه و داستان، جلسه را آغاز کرد. در ابتدای برنامه خطاب به شرکت‌کنندگان گفت: «امسال دومین سالی است که در این سالن در خدمت شما مربیان محترم پیش‌دبستانی منطقه ۱۸ تهران هستیم. امیدواریم در کنار شما عزیزان بتوانیم به کودکان دوره پیش‌دبستانی، که یکی از دوره‌های مهم آموزش و پرورش و حوزه تعلیم و تربیت است، خدمت کنیم. کسانی که سال پیش در جلسه ما حضور داشتند، خاطرشان هست که در این جلسه به آنان چند قول داده بودیم. قرار بود دو دسته تغییرات داشته باشیم: بخشی از تغییرات شکل سخت‌افزاری داشت و تعداد دیگری هم حالت نرم‌افزاری. یک نمونه از این موارد بحث چاپ لوحه‌ها بود که ما امسال آن‌ها را به صورت پارچه‌ای و در اندازه بزرگ چاپ کرده‌ایم و در اختیار مربیان هر کلاس قرار می‌دهیم تا بتوانند از این تصویرها در کنار کتاب‌هایی که در اختیار دارند، برای تعلیم و تربیت استفاده کنند. از جمله دیگر تغییراتی که این بسته نسبت به سال گذشته داشته، کتاب یا جزوه ویژه والدین است

که استفاده و مطالعه از آن توسط خانواده‌ها در مسیر فعالیتتان به شما مربیان خیلی کمک می‌کند.» وی در ادامه گفت: «همچنین از نظر نرم‌افزاری، اگر خاطر تان باشد، سال گذشته شماره‌تلفن‌های شما را دریافت کردیم و قرار شد عضو یک کانال ایتا باشید تا بتوانید از اطلاعاتی که در آنجا ارائه می‌شوند، استفاده بفرمایید که این کار را انجام دادیم. امروز هم این امکان را برای دوستانی که عضو آن کانال نیستند فراهم می‌کنیم بتوانند از این کانال و امکانات آن بهره ببرند و تجربه‌های خود را نیز مطرح کنند.

ما امسال یک کار بزرگ‌تر از کانال انجام داده‌ایم و آن هم راه‌اندازی یک وبگاه تخصصی با عنوان «مرکز جامع تخصصی تربیت و یادگیری کودک» است که مربیان محترم، مدیران گرامی مراکز پیش‌دبستان و حتی خانواده‌های محترم می‌توانند از محتواهای متنوع آن و نیز از نظر کارشناسان استفاده کنند. نشانی این وبگاه چنین است: www.paapaaloo.com

شهابلو یادآور شد: «علاوه بر این در کتاب‌ها یک مجموعه تغییرات دیگر نیز در سطح محتوایی داشته‌ایم که آقای ناصری در سخنان خودشان به آن‌ها اشاره خواهند کرد.

این تغییرات در واقع از جلساتی برآمده‌اند که در طول سال با شما مربیان عزیز داشته‌ایم. شما نقطه‌نظرات خود را به ما انتقال داده‌اید و پس از بررسی‌های کارشناسان، این تغییرات صورت گرفته‌اند. در خاتمه از اینکه یک روز تعطیل خود را برای حضور در این کارگاه اختصاص داده‌اید از یکایک شما صمیمانه سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت روزافزون داریم. در این

جلسه فرصت پرسش و پاسخ برای شما دوستان هم مهیاست. شما می‌توانید سؤال‌های خود را با مدرس محترم کارگاه مطرح کنید.»

از زاویه دانش‌افزایی به وبگاه نگاه کنید

محمد ناصری در ادامه جلسه به‌عنوان سخنران اصلی به موضوع بسته‌های متنوع و متعددی که در سراسر کشور منتشر می‌شوند پرداخت و گفت: «هر کدام از این بسته‌ها به‌نوعی مزیت‌های خود را

دارد، در حالی که ما چیزی را که در مورد بسته «من می‌دانم من می‌توانم» باور داریم و دنبال می‌کنیم، این است که دو گروه در مورد این بسته‌ها اظهار نظر می‌کنند و ما به این نقطه‌نظرات توجه داریم. یک گروه افرادی مثل مربیان عزیز هستند که در کف کلاس حضور دارند و گروه دوم کارشناسانی‌اند که بیرون از گود نشسته‌اند و در حوزه‌های گوناگون کارشناسی می‌کنند. هر دو ذی‌حق هستند که این بسته را از هر جهتی نقد کنند. اگر یک بسته تولید شود و چندین سال به صورت مداوم همان بسته تولید و منتشر شود و کسی به محتوای آن توجه و عنایتی نداشته باشد، چندان رشد نمی‌کند و پویا نیست.

یک نمونه از این موارد بحث چاپ لوحه‌ها بود که ما امسال آن‌ها را به صورت پارچه‌ای و در اندازه بزرگ چاپ کرده‌ایم و در اختیار مربیان هر کلاس قرار می‌دهیم تا بتوانند از این تصویرها در کنار کتاب‌هایی که در اختیار دارند، برای تعلیم و تربیت استفاده کنند



گذاشته می‌شوند. این یعنی هم‌افزایی. بدین معنا که یکدیگر را تقویت می‌کنید و این یعنی همان درس پژوهی که در کشور ژاپن بسیار مهم است. درس پژوهی یعنی اینکه مربی یا معلم یک واحد درسی را ارائه می‌کند و سایر معلمان و مربیان آن را نگاه و در مورد آن بحث می‌کنند.

راهکار دیگر این است که چون ما یک مرکز تربیت و یادگیری هستیم و در آن پاپالو نیز یک عامل آموزشی است، وبگاهی را راه‌اندازی کردیم که شما می‌توانید از آن استفاده کنید.

من در یک استودیو در مورد بسته صحبت کردم که در حدود یک تا یک و نیم ساعت زمان آن است. صحبت‌ها در این وبگاه قرار داده شده‌اند. یک روان‌شناس در مورد این بسته صحبت می‌کند. پرسش‌های جامع در مورد بسته و پاسخ‌های آن در این فایل آمده است. بنابراین، اگر امروز فرصت نشد در مورد تمام زاویه‌ها بحث صحبت کنم، شما می‌توانید صحبت‌های جامع را که در آنجا بارگذاری کرده‌ایم و همچنین بعضی از اجراهایی را که یک مربی با پاپالو داشته و در استودیو ضبط

شده است، در این وبگاه ملاحظه و مورد استفاده قرار دهید. همچنین، قطعه‌هایی که کارشناسان در مورد قالب‌های گوناگون گفته‌اند نیز در دسترس شما قرار دارند.»

دبیر بسته «من می‌دانم، من می‌توانم» در خصوص این وبگاه به‌عنوان یک مرکز مهم در تربیت و یادگیری افزود: «البته به‌مرور بر مطالب این وبگاه اضافه می‌شود. یعنی می‌توانید به‌عنوان یک مرکز یادگیری و دانش‌افزایی به آن نگاه کنید. این اتفاقات کمک می‌کنند

بسته پویا و زنده باشد.»

این نویسنده مطرح کشور سپس موضوع و جایگاه مهم تغییرات و به‌روزرسانی محتواهای داخل هر بسته را در ادامه صحبت‌هایش طرح کرد و گفت: «ما به‌عنوان راهنمای مربی کتابی را عرضه کردیم که شما از آن استفاده می‌کنید، اما قطعاً در سال آینده در کتاب راهنمای مربی تغییراتی خواهیم داشت. دلیل آن را وقتی به بخش زبان آموزی رسیدیم، به شما عرض می‌کنم. مثلاً ما در کاربرد ۵۰ درصد تغییرات داشتیم. اگر کسانی که امسال به بسته ما پیوستند، کاربرد امسال را در کنار کاربرد پارسال قرار دهند، متوجه این تغییرات می‌شوند و می‌بینند که صفحه‌های اول به‌صورت کلی

این در حالی است که بسته‌ها باید مورد توجه قرار گیرند؛ چه مربیان کف کلاس و چه کارشناسان بیرونی باید نقد کنند تا بسته مورد نظر روز به روز از موقعیت بهتری برخوردار شود. بنابراین، به اعتقاد ما بسته موفق باید به‌طور مرتب ارزیابی شود.»

مدرس کارگاه توانمندسازی در این جلسه در ادامه همین موضوع تأکید کرد: «ما خدا را

شاکریم که بسته ما سه بار تجدید چاپ شده است و سه بار به‌طور کلی تغییراتی در آن رخ داده است. همان‌طور که عرض کردم، آن دو دسته بررسی و نقد خود را انجام می‌دهند و حرف‌های خود را به ما منتقل می‌کنند، که البته مهم‌ترین آن مربیان هستند. بعد از آن نیز کارشناسانی هستند که بسته را از زاویه‌های گوناگون بررسی می‌کنند. خوش‌حالیم که از کارگاه‌ها و در جاهای دیگر از مخاطبان خود بازخوردهایی

می‌گیریم و آن‌ها را اعمال و عرضه می‌کنیم. به غیر از این، به نظر من رابطه یک بسته موفق با مخاطب فقط در کارگاه نیست. حتی اگر از ابتدای کارگاه تا پایان کارگاه گفت‌وگو صورت بگیرد و کارگاه‌ها سالی یک بار نیز برگزار شوند، کفایت نمی‌کند و چیزهای دیگری باید وجود داشته باشند تا این ارتباط به‌صورت مستمر برقرار باشد. ما برای این موضوع دو راهکار اندیشیده‌ایم. یک راهکار همان کانال ایتا است که آقای شهابلو در مورد آن توضیح دادند. اهمیت این کانال در آن است که روزانه و هر روز یک موضوع یا یک چیز را به شما می‌گوید. مهم‌تر اینکه مطالب و محتواهای ارسالی شما اعم از فیلم‌ها و عکس‌ها، همه در این کانال به اشتراک

اهمیت این کانال در آن است که روزانه و هر روز یک موضوع یا یک چیز را به شما می‌گوید. مهم‌تر اینکه مطالب و محتواهای ارسالی شما اعم از فیلم‌ها و عکس‌ها، همه در این کانال به اشتراک گذاشته می‌شوند. این یعنی هم‌افزایی. بدین معنا که یکدیگر را تقویت می‌کنید و این یعنی همان درس پژوهی که در کشور ژاپن بسیار مهم است





مراکز دولتی و دبستان تشکیل می‌شوند، ولی دو دنیای کاملاً متفاوت دارند. درست مانند اینکه ما در یک مدرسه رشته‌های ریاضی، تجربی و انسانی داریم که هر کدام نحوه ورود به بحث، موضوعات، ارائه و ورود و خروج به بحث در آن‌ها متفاوت هستند. بنابراین چنین تفاوتی در آموزش نیز حتی کاملاً طبیعی است. دوره پیش دبستان یک دوره آمادگی است. اما سؤال این است که آمادگی برای چه؟ آمادگی برای ورود به دبستان. اگر خاطرتان باشد، در دوران دانشجویی نیز به شما می‌گفتند شما می‌توانید این درس را بردارید، ولی یک پیش‌نیاز دارد که اول باید آن را پاس کنید و اگر آن پیش‌نیاز را بگذرانید، بهتر می‌توانید در درس جلو بروید. دوره پیش دبستان نیز دوره آمادگی و پیش‌نیاز است. اولین تفاوت دوره پیش دبستان با دوره دبستان، واجب‌التعلیم نبودن پیش دبستان است. در حال حاضر، اگر خانواده جلوی تعلیم و آموزش بچه هفت‌ساله واجب‌التعلیم را بگیرند، در قانون برای آن‌ها جریمه در نظر گرفته شده است. یعنی در ایران، اگر خانواده بچه‌های هفت‌ساله‌ای نگذارند او به مدرسه برود و جلوی تعلیم او را بگیرند، اگر کسی از این موضوع مطلع شود و به مرجع قضایی اطلاع دهد، مراجع قضایی می‌توانند آن خانواده را اعمال قانون کنند. اما آیا برای دوره آمادگی نیز چنین قانونی وجود دارد؟»

تغییر کرده‌است. اما دلیل این تغییرات آن است که شما مربیان در مورد ریتم ورود به بحث نظراتی داشتید که آن نظرات هم درست بودند و ما هم آن را در گروه تألیف بررسی کردیم و دیدیم که باید این اتفاق بیفتد. بنابراین، وقتی موضوعی بیان می‌شود، وحی نیست که بخواهد همان‌گونه باقی بماند. مربی خلاق آنچه را به تجربه خود انجام داده است تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد. هر گاه فعالیت‌های دیگری نیز از مربیان دیگر

ببیند، یا از فیلم‌ها و تکه‌فیلم‌ها، می‌تواند استفاده کند و آن را تغییر دهد. بنابراین، زمان آن گذشته است که حرف مرد یکی بود. حرف مرد نباید یکی باشد. حرف مرد در اصول یکی است و در طی زمان در فرعیات تغییر می‌کند. وقتی می‌توان کاری را بهتر گفت یا بهتر انجام داد، آن را اجرا می‌کند. اگر قبلاً چیزی را بلد نبودم و الان یاد گرفتم، باید آن را انجام دهم.»

مربی خلاق آنچه را به تجربه خود انجام داده است تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد. هر گاه فعالیت‌های دیگری نیز از مربیان دیگر ببیند، یا از فیلم‌ها و تکه‌فیلم‌ها، می‌تواند استفاده کند و آن را تغییر دهد

دوره آمادگی، اما برای چه؟

ناصری در این بخش از برنامه به

تفاوت میان فعالیت‌ها در دبستان و پیش دبستان و مقایسه آن‌ها با همدیگر پرداخت و گفت: «در رابطه با پوستری که سرکار خانم قدیمی در اینجا گذاشته‌اند و شما آن را ملاحظه می‌کنید، من قصد دارم در مورد پنج موضوع با شما صحبت کنم: اولین و مهم‌ترین موضوع این است که دوره پیش دبستان در مقایسه با دوره دبستان دو دنیای متفاوت هستند و هر کدام ویژگی‌ها و کارکرد خودشان را دارند. اگر ما بین پیش دبستان و دبستان تفاوت و تمایزی قائل نباشیم، یک جای کار دچار مشکل می‌شویم. این را خوب است بدانیم که دنیای پیش دبستان کجاست و دنیای دبستان کجا. درست است که پیش دبستان در

پرسش و پاسخ‌های لابه‌لای جلسه

از آنجا که بیشتر حاضران در این جلسه از بسته تربیت و یادگیری «من می‌دانم، من می‌توانم» شناخت مناسبی داشتند و حتی طی یک یا دو سال در کلاس‌های خود آن را تجربه کرده بودند، فرصت را غنیمت شمردند و لابه‌لای صحبت‌های مدرس جلسه پرسش‌های مدنظر خود را مطرح کردند. ما نیز به همین ترتیب مسیر جلسه را با شما پیش می‌رویم.

در ایران این قانون برای پیش دبستان وجود ندارد؟

ناصری: بله. در ایران فعلاً چنین قانونی نیست. البته معاون محترم آموزش و پرورش که جدیداً آمده‌اند، خیلی تلاش می‌کنند دوره چهار تا شش‌سالگی را خیلی گسترده‌تر کنند. یعنی به قدری وسیع شود که به صورت اجباری نه، ولی به صورت بدیهی همه به پیش دبستان



بروند. بنابراین، دورهٔ پیش‌دبستان اجباری نیست. در دوره‌های اول یا دوم ابتدایی، اگر بچه خدای ناکرده مریض شود و سه روز به مدرسه نیاید، بعد از سه روز مدیر می‌تواند اعمال نظر کند و با والدین تماس بگیرد و با آن‌ها صحبت کند. اما اگر به یک مرتبه این بچه به مدت دو هفته نیاید، به صورت قانونی دیگر مدیر نمی‌تواند کاری انجام دهد. او به والدین می‌گوید به منطقه بروید تا مرجع بالاتر در این باره تصمیم بگیرد. ولی اگر کودک پیش‌دبستانی مهرماه را به پیش‌دبستان بیاید و آن را نیاید، یا به صورت کلی بعد از مهر به پیش‌دبستان نیاید، آیا باید آن را به مراجع ذی‌ربط ارجاع دهید؟ خیر. چون اجباری درباره این دوره وجود ندارد و پیش‌دبستان به صورت غیررسمی است. غیررسمی بدین معنا که شما برای این دوره یک مجموعه قوانین و قواعد سفت و سخت و سنگین ندارید و نباید هم داشته باشید. چون پیش‌دبستانی رسمی نیست، اجباری هم نیست و اختیاری است.

مورد بعدی اینکه بچه‌ای که در هفت‌سالگی وارد دبستان می‌شود، دانش‌آموز شناخته می‌شود، ولی در پیش‌دبستان و کودکستان شما نوآموز دارید و دانش‌آموز ندارید. دانش‌آموز یعنی کسی که باید برای او تعلیمی صورت گیرد و دانشی به او اضافه شود. برای این هم که بدانید دانشی به او منتقل شده، باید از او امتحانی گرفته شود و ارزشیابی صورت گیرد. ولی دورهٔ پیش‌دبستان به هیچ وجه دورهٔ دانشی نیست. یعنی شما فکر نکنید رسالتی مانند معلمان دارید که در آن باید یاد دادن و آموزش صورت گیرد. حال سؤال این است که دورهٔ پیش‌دبستان چه دوره‌ای است؟

دورهٔ پیش‌دبستان به هیچ وجه دورهٔ دانشی نیست. یعنی شما فکر نکنید رسالتی مانند معلمان دارید که در آن باید یاد دادن و آموزش صورت گیرد. دورهٔ پیش‌دبستان دورهٔ عاطفه است؛ دورهٔ احساس و کیف کردن بچه‌ای است که از داخل خانه‌ای که در آن تنها بوده، به پیش‌دبستانی وارد می‌شود که گروه همسالان او در آنجا هستند

و بارها می‌گویند فلان چیز را بگو یا بخوان و او نمی‌تواند. بنابراین، آهنگ آموزش به بچهٔ دبستان نیز باید جذاب و آهسته و جالب باشد. بنابراین اشتباه نکنید. بچه‌ای که به مهد، کودکستان و پیش‌دبستان می‌آید، نیامده است که در آنجا از شما چیزی یاد بگیرد. این‌ها از فضایی فردی به یک فضای جالب فرهنگی غنی، سرشار از بازی، نمایش خلاق، داستان، فیلم، گردش علمی و آزمایش آمده‌اند. بعد هم به شما علاقه‌مند می‌شوند

و این علاقه‌مندی را کاملاً بروز می‌دهند. جناب آقای دیزجی که از همکاران بنده هستند و در اینجا حضور دارند، به یکی از کلاس‌های همکارمان خانم آینه‌دار رفته بودند. ایشان یکی از مدرسان بسیار فعال و از مربیان بسیار عالی هستند. آقای دیزجی می‌گفتند ۱۵ نفر یک مرتبه دور خانم آینه‌دار جمع می‌شوند و این حس بین آن‌ها تبادل می‌شود.

در پیش‌دبستان همین‌طور است. بروز احساسات و عواطف و باز خورد مری نسبت به این عواطف چنین است که بچه را در آغوش بگیرد و دستی به سر او بکشد و بگوید چه نقاشی زیبایی کشیده‌ای، یا چقدر قشنگ صحبت می‌کنی، یا چقدر خوب می‌دوی و از این قبیل. بنابراین، مدام بر توانایی‌های بچه تأکید کنید. وقتی بر توانایی‌ها تأکید می‌کنید، بچه مدام به خود خواهد گفت من می‌توانم به خوبی نقاشی کنم. من می‌توانم خوب حرف بزنم و من می‌توانم... یا: علی چقدر قشنگ نمایش اجرا می‌کنی! فاطمه چقدر سؤال‌های خوبی می‌پرسی! شما با روشی طبیعی و غیرمستقیم بازخوردهای خوبی به او می‌دهید. با این روش مدام توانایی‌های بچه را به رخ می‌کشید. اینکه مثلاً چقدر خوب حرف می‌زنی،

مدرس جلسه در ادامهٔ این مبحث و در پاسخ به یکی از حضاران ادامه داد: «دورهٔ پیش‌دبستان دورهٔ عاطفه است؛ دورهٔ احساس و کیف کردن بچه‌ای است که از داخل خانه‌ای که در آن تنها بوده، به پیش‌دبستانی وارد می‌شود که گروه همسالان او در آنجا هستند، و قرار است در گروه همسالان خود کیف کند، لذت ببرد و بازی کند. بچه باید سرگرم شود و در ضمن سرگرمی، بازی و کلی فعالیت که شما برای او در نظر می‌گیرید، مجموعه‌ای از نکته‌ها را نیز خودبه‌خود یاد بگیرد. بچه در چهار و پنج‌سالگی خودبه‌خود چیزهایی را یاد می‌گیرد. اگر دیده باشید، در شبکه‌های اجتماعی، به بچهٔ اول ابتدایی بارها



چقدر مهربانی، چقدر خوب بازی می کنی! این‌ها کارکردهای پیش دبستان هستند. اما اینکه چقدر شعر از حفظ هستند و چقدر می توانند قصه‌ها را به خوبی تعریف کنند، توانایی‌هایی هستند که به مرور کسب می شوند. مهم نیست که مثلاً از ۱۰۰ قطعه شعری که ما در بسته من می دانم من می توانم داریم، کسی حتی پنج قطعه را حفظ نکرده باشد! او به صورت خودبه‌خود خودش آن‌ها را حفظ می کند. نیازی نیست شما

برای حفظ آن‌ها فشاری وارد کنید یا برنامه‌ریزی انجام دهید.»

تفاوت هست اما مقایسه ممنوع!

دبیر شورای هم‌فکری و برنامه‌ریزی بسته «من می دانم، من می توانم» همچنین خطاب به مربیان تأکید کرد: «ما در دوره پیش دبستان متوجه هستیم که بچه‌ها با هم تفاوت دارند. بچه پیش دبستانی ممکن است بهره هوشی خیلی زیادی داشته باشد و

بهره هوشی بچه دیگر متوسط باشد و دیگری نیز بهره هوشی کمی داشته باشد. این‌ها با هم تفاوت دارند و همه آن‌ها نیز محترم هستند. همه آن‌ها عزیز و دوست‌داشتنی هم هستند. اما باید توجه داشته باشیم، آن‌ها را به هیچ وجه نباید با هم مقایسه کرد.

به صورت اجمالی تفاوت‌هایی را خدمت شما عرض کردم. نکته‌هایی هم که در ادامه خواهیم گفت، به صورت اجمالی در صفحه ۱۱ کتاب والدین آورده شده‌اند. چرا ما امسال کتاب راهنمای والدین را به بسته اضافه کرده‌ایم؟ چون این کتاب در بسته قبلی نبود و والدین به آن نیاز داشتند. چون والدین به

پنج را بلد است که از قبل هم بلد بود. پس شما در پیش دبستان چه کاری انجام می دهید؟ مگر قرار است ما آموزش اعداد را در پیش دبستان داشته باشیم؟ بنابراین، ما یک راهنمای ۳۲ صفحه‌ای را برای اولیا ترتیب داده‌ایم که اگر آن را بخوانند، کاملاً در فضای کاری شما قرار می گیرند. حتی تکلیف اولیا را نیز در آن آورده‌ایم. صفحه ۱۱ این کتاب بسیار مهم است. افرادی مثل من که قدیمی‌تریم، بیشتر کاغذی هستیم و دوست

داریم مطالب را به صورت کاغذی بخوانیم و بنویسیم. البته خدمت شما عرض کنم، ارتباط کاغذ و مدادی، حتی در کشورهایی که در سطح بالای فضای مجازی هستند نیز وجود دارد. یادمان باشد، ارتباط بچه با کاغذ و مداد را حتماً به او یاد بدهیم. درست است، که دنیای امروز ما دنیای رسانه‌های دیجیتال است، اما این کاغذ و مداد فضای مجازی را نفی نمی کند. این را که می گویم، هم در کشورهای اروپایی و هم در ژاپن دیدم که مداد و کاغذ و نوشتن اهمیت دارند. اما قیمت این کتاب ۵۰ هزار تومان است. ممکن است در مناطقی مانند مناطق ۱۸ و ۱۹ تهران بگویند ما

یادمان باشد، ارتباط بچه با کاغذ و مداد را حتماً به او یاد بدهیم. درست است که دنیای امروز ما دنیای رسانه‌های دیجیتال است، اما این کاغذ و مداد فضای مجازی را نفی نمی کند. این را که می گویم، هم در کشورهای اروپایی و هم در ژاپن دیدم که مداد و کاغذ و نوشتن اهمیت دارند



در اینترنت جست‌وجو کنید

این مدیر باتجربه حوزه آموزش و پرورش در ادامه بحث موارد ممنوعه در پیش‌دبستانی خطاب به مربیان گفت: «مسئورد ممنوع دیگر، آموزش الفبای فارسی در پیش‌دبستان است. ما در پیش‌دبستان آموزش الفبای فارسی نداریم. لطفاً بعد از پایان جلسه

و در وقت استراحت خود در مورد این موضوع جست‌وجو کنید که آیا آموزش حروف الفبا در پیش‌دبستان مجاز است؟ مقالات بسیاری خواهید دید که می‌گوید کار درستی نیست. خواهش می‌کنم این کار را نکنید. شما با این کار خود، کار معلم اول دبستان را واقعاً دشوار خواهید کرد.

دادن هرگونه تکلیف درسی در پیش‌دبستان ممنوع است. چون بچه در پیش‌دبستان اصلاً تکلیفی ندارد. بنابراین، نوآموز نه در مدرسه و نه در بیرون مدرسه هیچ تکلیفی ندارد. ممکن است بگویید که همه نوآموزان کتاب بدن من را انجام داده و این صفحه را انجام نداده‌اند. اشکالی ندارد که انجام نداده است. شاید بچه حال انجام آن تکلیف را نداشته و این هیچ اشکالی ندارد.

این صفحه به تفکر حل مسئله مربوط است و بارها به آن مراجعه خواهد شد. بعضی از مربیان ممکن است بگویند ما یک بار این را کار کردیم، آیا دوباره باید به آن مراجعه کنیم؟ بله. به دلیل اینکه یک بار یک موضوع را مطرح کرده است و در مرتبه دوم موضوع دیگری را مطرح کرده و فقط هم این صفحه این‌گونه است که دو یا سه بار باید به آن برگردید. یا ممکن است کودک بار اول آن را انجام

این کتاب را نمی‌خواهیم و ۵۰ هزار تومان برای این کتاب زیاد است. پشت جلد تمام این کتاب‌ها رمزینۀ پاسخ‌سریع کتاب راهنمای والدین آمده است. اگر شما کتاب فیزیکی را ندارید، آن را بارگیری کنید تا متن را داشته باشید. ما در صفحه ۱۱ کتاب راهنمای والدین موارد ممنوع در پیش‌دبستان را ذکر کرده‌ایم. این موارد ممنوع عبارت‌اند از:

مقایسه عملکرد نوآموز با عملکرد نوآموزان دیگر ممنوع است. یعنی شما به‌عنوان مربی، به‌صورت انسانی حق ندارید اگر زهرا در بازی‌ها و فعالیت‌های مداد کاغذی و فعالیت‌ها به‌خوبی عمل می‌کند، بگویید آفرین زهرا و به فاطمه که دوست یا هم‌کلاسی زهراست بگویید فاطمه تو هم از زهرا یاد بگیر. این یعنی توهین به فاطمه. یا مثلاً از قدرت بدنی علی تعریف زیادی کنید و به بغل دستی او بی تفاوت باشید؛ این یعنی تنبیه بغل دستی علی. هر آدمی فقط باید با خودش مقایسه شود.

البته در بزرگ‌ترها نیز به همین صورت است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جوامع ما این است که ما در این زمینه خیلی مقایسه‌ای هستیم. البته مدل آمریکایی نیز به همین شکل است. متأسفانه کشور ما و آمریکایی‌ها و بعضی از کشورهای دنیا خیلی اهل

مقایسه و تشویق کردن یک نفر هستیم. یعنی افراد رشد می‌کنند و بالا می‌آیند. در صورتی که در کشور ژاپن به‌هیچ‌وجه چنین منطقی وجود ندارد. آدم‌ها در گروه معنی پیدا می‌کنند. به همین ترتیب، در کشوری مثل ژاپن، کارهای گروهی اصل می‌شود و شما نمی‌توانید بچه پیش‌دبستانی را در ژاپن ببینید که تنها باشد. همین که از منزل خود بیرون می‌آیند، با هم گروه می‌شوند و آدم در گروه معنی پیدا می‌کند. ولی ما در ایران سعی

آدم‌ها در گروه معنی پیدا می‌کنند. به همین ترتیب، در کشوری مثل ژاپن، کارهای گروهی اصل می‌شود و شما نمی‌توانید بچه پیش‌دبستانی را در ژاپن ببینید که تنها باشد. همین که از منزل خود بیرون می‌آیند، با هم گروه می‌شوند و آدم در گروه معنی پیدا می‌کند

می‌کنیم رقابت‌ها تشدید شوند. از دوره متوسطه دوم و بالاتر این موضوع بیشتر اوج می‌گیرد. اما پیش‌دبستان جای این صحبت‌ها نیست، چون بچه‌ها گناه دارند. عملکرد بچه‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنید. اگر یک بچه در پیش‌دبستان کاری را با ذوق و به‌خوبی انجام می‌دهد، اجبار نکنید بچه دیگر نیز همان کار را انجام دهد. نوآموز این اختیار را دارد که نخواهد آن را انجام دهد. اما در دبستان این‌گونه نیست. چون در دبستان حد یادگیری مشخص است. در دوران دبستان باید از اول تا پایان دبستان اعداد و حروف الفبا را یاد بگیرد. در پیش‌دبستان ما الزام نداریم.



را در نظر گرفته باشید. اگر این بچه در ارتباطات قوی باشد، این بی‌حوصلگی و بی‌حالی خود را به نصف کلاس سرایت خواهد داد. چون همان‌طور که می‌دانید این قضیه مسری است. مثلاً یک بچهٔ پر جنب و جوش، جنب و جوش و انرژی خود را سرایت می‌دهد و بچهٔ دیگر بی‌حالی و خمیازه‌اش را. آیا کسی به شما گفته است که در آن روز حتماً باید فعالیت مداد کاغذی انجام

دهد و برای بار دوم دیگر انجام ندهد. حتی اگر به او بگویید این برای کار دیگری است، او بگوید دوست ندارم انجام دهم. اشکالی ندارد انجام ندهد.

صحبت یکی از حضار: اگر به این شکل پیش برود، بچه در پایهٔ اول نیز همین کار را انجام می‌دهد.

دهید؟ ولی معلم اول دبستان به اندازهٔ شما دست و بالش باز نیست. منظور من همین موضوع بود. به همین دلیل، شما آموزش الفبا ندارید. تکلیف و ارزشیابی مستقیم ندارید. باید توجه کرد، بچه‌ها با یکدیگر متفاوت هستند و بعضی از بچه‌ها مشارکت قوی دارند. بعضی از آن‌ها متوسط و بعضی از آن‌ها ضعیف هستند. در این موضوع و برای هر کدام از آن‌ها به نسبت خودشان با آن‌ها کار کنید و آن‌ها را بالا بیاورید. فکر نکنید که همهٔ کلاس باید به صورت

شاید در کلاس شما بارها اتفاق افتاده باشد که کودکی بگوید من این را انجام نمی‌دهم، یا آن را انجام نمی‌دهم و به مرور و به تدریج شما ببینید که کودک تغییر می‌کند. آیا در ابتدای سال تحصیلی که شما با کتاب بدن من کار می‌کنید و زمانی که به کتاب دنیای من می‌رسید، کودک به همان شکل اول برخورد می‌کند؟ اجباری نبودن به همین معناست که خدمت شما عرض کردم

ناصری: اصلاً به این شکل نیست. چون داستان کلاس اول متفاوت است. منظور من جدا از روش‌هایی است که شما برای کارهای خود بلدید. من انتهای یک اتفاق را خدمت شما عرض می‌کنم. شاید در کلاس شما بارها اتفاق افتاده باشد که کودکی بگوید من این را انجام نمی‌دهم، یا آن را انجام نمی‌دهم و به مرور و به تدریج شما ببینید که کودک تغییر می‌کند. آیا در ابتدای سال تحصیلی که شما با کتاب بدن من کار می‌کنید و زمانی که به کتاب دنیای من می‌رسید،

یک شکل و به یک نوع پیش بروند. حتی این یکسان شدن را نیز خدا از شما نخواسته است. اگر توجه کنید، می‌بینید که فطریات ما با یکدیگر مشترکاتی دارند. ولی خداوند توانایی‌ها را در بعضی افراد بیشتر قرار داده است. بنابراین، آن توانایی باید کشف شود. منظور از استعدادیابی و هدایت درست تحصیلی که در دورهٔ اول متوسطه مطرح است، همین نکته است.»

کودک به همان شکل اول برخورد می‌کند؟ اجباری نبودن به همین معناست که خدمت شما عرض کردم. ولی در دبستان و اول دبستان، اگر معلم مثلاً حروف آ یا او را بخواند تدریس کند و کودک بگوید نمی‌خواهم آن را یاد بگیرم و معلم مدام بگوید باید آن را یاد بگیری، کودک یاد نمی‌گیرد. باید به روش تدریس معلم نگاه کنیم. چون روش تدریس بسیار مهم است. بنابراین، شما باید خیالتان راحت باشید، چیزی را که به‌عنوان آموزش در دبستان مطرح می‌شود، در پیش دبستان به آن مقید نیستید. مثلاً ممکن است یک روز یک بچه به پیش دبستان بیاید که حال نداشته باشد و شما برای آن روز فعالیت مداد کاغذی

بذر گندم با زور به جو تبدیل نمی‌شود

ناصری در ادامه یادآور شد: «وقتی بچه‌ها به پایه‌های هفتم، هشتم و نهم می‌رسند، معلم موفق می‌تواند



بچه‌ای را زود از پيله در آورد. از پيله بيرون آمدن روندی آرام و تدريجی است.»

دبير بسته تربيت و يادگيري بعد از اين مثال، در همين باره خطاب به حاضران گفت: «شما خانمها كه آشپزی می‌كنيد، می‌دانيد كه غذاها با يكديگر متفاوت هستند. طبيعتاً آبگوشت خوب از ماکروویو بيرون نمی‌آيد و آبگوشتی كه در قهوه‌خانه‌ها می‌بينيد،

با آن عطر و طعم، حتی از زودپز هم در نمی‌آيد. بعضی از غذاها با صرف زمان بیشتر بايد جا بيفتند. مثلاً قورمه‌سبزی بايد جا بيفتند. نمی‌توانيد قورمه‌سبزی را نیم‌ساعته آماده كنيد. شما قطعاً به اين نكات آشپزی واقف هستید. حال به نظر شما بين پيازهای سفيد، قرمز و زرد کدام برای سرخ کردن مناسب است؟ پياز زرد برای سرخ کردن بهتر است و برای خوراك پياز قرمز مناسب است. حال شما می‌خواهيد منكر تفاوت‌های بين بچه‌ها شويد و آن‌ها

را فيكس و ميكس كنيد و مشابه هم خروجی بگيريد؟ قاعدتاً چنین کاری غيرممکن است. ريتم آن‌ها با يكديگر متفاوت است. اين موضوع را مربي به‌خوبی می‌داند و می‌فهمد.»

وی سپس به نکته مباحث انتزاعی و ارتباط بچه‌ها در اين زمينه پرداخت و افزود: «یکی ديگر از موارد، موضوعات انتزاعی است. موضوعات انتزاعی را بچه متوجه نمی‌شود. مانند اين است كه کسی شروع كند با ما با زبان اسپانیایی صحبت كردن. اگر به يك زبان آشنایی نداشته باشيم، قاعدتاً از آن هيچ‌چيزی متوجه نمی‌شويم؛ حال اينكه موضوعات انتزاعی چیزی فراتر

تشخيص دهد استعداد هر بچه‌ای در چيست و او را به همان سو هدايت می‌كند. در پيش‌دبستان كه دوره آمادگی است، بچه‌ها هنوز بذر هستند. برای بذر بايد محيط را فراهم كرد. بايد خورشيد و خاك و آب را برای او مهيا كرد كه بعد به‌صورت خودبه‌خودی جوانه بزند. بذر را به‌زور و اجبار نمی‌توان به گندم تبديل كرد، يا به‌اجبار گندم را نمی‌توان جو كرد.

می‌خواهم برای شما يك داستان يك‌دقیقه‌ای تعريف كنم كه به نويسنده‌ای يونانی مربوط است كه كتاب‌های متعدد دارد. یکی از كتاب‌های معروف او در ايران زوربای يونانی است. در اين كتاب می‌نويسد، من در دوران كودکی به پروانه‌ها و اينكه پروانه‌ها از داخل پيله‌ها بيرون می‌آمدند، خیلی علاقه داشتم. ديده بودم كه چگونه پروانه از داخل پيله بيرون می‌آيد و عاشق آن لحظه بودم. در دوره‌ای كه حدود پنج سالم بود و خیلی پرجنب‌وجوش بودم، دوست داشتم

پروانه زودتر از پيله بيرون بيايد. يك نفر به من گفت اگر دوست داری پروانه زودتر از پيله بيرون بيايد، پيله را در دستت بگير و به آن «ها» كن. با اين كار پيله گرم می‌شود و پروانه از آن بيرون می‌آيد. من هم يك پيله را در دست گرفتم و آن قدر به آن‌ها كردم كه پروانه واقعا از پيله بيرون آمد. خیلی خوش‌حال شدم. ولی اين پروانه نتوانست پرواز كند. فهميدم، ريتم من برای بيرون آوردن پروانه تند بود. اين كار باعث شد پروانه زود بيرون بيايد، ولی نمی‌توانست پرواز كند. بعد هم مرد. اين نويسنده می‌گويد، سنگینی جنازه آن پروانه سنگين‌ترين چيز بر دوش من است. مربي نیز نبايد عجله داشته باشد كه هر

پيش‌دبستان كه دوره آمادگی است، بچه‌ها هنوز بذر هستند. برای بذر بايد محيط را فراهم كرد. بايد خورشيد و خاك و آب را برای او مهيا كرد كه بعد به‌صورت خودبه‌خودی جوانه بزند. بذر را به‌زور و اجبار نمی‌توان به گندم تبديل كرد، يا به‌اجبار گندم را نمی‌توان جو كرد



مثال‌های زیادی در این زمینه داریم، ولی زمان کم است و از آن می‌گذریم.»

روی مفهوم کار کنید، نه شکل اعداد

مدرس کارگاه سپس به بحث ممنوعیت مبحث دیگری در پیش‌دبستانی، یعنی آموزش اعداد، اشاره کرد و گفت: «آموزش اعداد ریاضی نیز در پیش‌دبستان ممنوع است. آموزش اعداد به شما ارتباطی ندارد و به معلم اول دبستان مربوط می‌شود. البته کودک مفهوم اعداد را متوجه می‌شود. شما می‌توانید روی مفهوم عدد کار کنید و بگویید مثلاً یک با دو متفاوت است. بعضی از مربیان می‌گویند حال که مفهوم را یاد می‌دهیم، چه ایرادی دارد که اعداد را به شکل نقاشی به آن‌ها آموزش دهیم؟ من نمی‌خواهم وارد این مقوله شوم، چون در این

مقوله اختلاف‌نظرهای زیادی بین صاحب‌نظران وجود دارند که آیا بچه‌ای که مفهوم عدد را یاد می‌گیرد، می‌تواند شکل آن را نیز یاد بگیرد؟ بچه‌ای که صداها و کلمه‌های هم‌آوا را یاد می‌گیرد، هم‌آغاز و هم‌پایان را یاد می‌گیرد، می‌تواند شکل آن حرف را نیز یاد بگیرد؟ من وارد این حریم نمی‌شوم. شما نیز خودتان را در این زمینه خسته نکنید. البته به دنبال آن بروید و در مورد آن مطالعه کنید، ولی قانون می‌گوید این کار شما نیست. دوست دارم در این مورد یک توضیحی به شما بدهم. اینکه خیلی از اوقات ما در زندگی انتها و پایان موضوعی را نمی‌دانیم، ولی آن را انجام می‌دهیم. مثلاً

از زبان و به روح و موضوعات ماورایی مربوط هستند که عقل و روح انسان باید به جایی برسد که بتواند آن را فهم کند. بنابراین، مفاهیم انتزاعی را نباید به بچه بگویید. اگر بچه در مورد موضوعات انتزاعی از شما سؤال‌هایی داشت، فکر نکنید حتماً باید پاسخ کاملی به او بدهید، چون بچه‌ها در این سن سؤال‌های زیادی می‌پرسند، ولی به دنبال جواب

نیستند. ممکن است کودکی به شما بگوید آیا خدا وجود دارد؟ شما هم در پاسخ می‌گویید بله وجود دارد. او سؤال می‌کند خدا چه رنگی است؟ شاید چون شما مثلاً در آن روز رنگ‌های قرمز و آبی و سبز را آموزش می‌دهید، این سؤال به ذهن او رسیده باشد. در اینجا شما باید سؤال را به خود بچه برگردانید و به او بگویید شما خودت چه فکر می‌کنی؟ یا به بچه بگویید من این سؤال را به شما جواب می‌دهم، ولی باید زمانی

آموزش اعداد ریاضی نیز در پیش‌دبستان ممنوع است. آموزش اعداد به شما ارتباطی ندارد و به معلم اول دبستان مربوط می‌شود. البته کودک مفهوم اعداد را متوجه می‌شود. شما می‌توانید روی مفهوم عدد کار کنید و بگویید مثلاً یک با دو متفاوت است

بگذرد. به همین سادگی، بچه همین پاسخ را نیز از شما می‌پذیرد. اما بعضی از افراد در پاسخ به سؤال‌های کودکان خیلی خودشان را خسته می‌کنند و وقتی کودکی پنج‌ساله سؤالی می‌پرسد، می‌گویند به‌به این کودک چه سؤالی پرسید. شما اصلاً فکر نکنید کودک پنج‌ساله مفهوم این سؤال را می‌داند. روان‌شناسان می‌گویند در اینجا شما باید ذهن کودک را معطوف چیز دیگری کنید. بنابراین، یکی از فن‌های آن همین روش است که ذهن کودک را معطوف چیز دیگری کنید. یکی دیگر از روش‌ها این است که بگذارید زمان بگذرد و فضا عوض شود. تمام این سؤال‌ها فراموش می‌شوند. من



نمی‌تواند این کار انجام دهد. من دوستی داشتم که با او روابط خانوادگی داشتیم. او و همسرش استاد زبان انگلیسی بودند و از ابتدا با کودک تازه‌متولدشده خود به زبان انگلیسی صحبت کردند. وقتی دختر آن‌ها حدود چهار سال داشت و من با او صحبت کردم، نمی‌توانست فارسی را به خوبی صحبت کند. از نظر من آن‌ها کار

بسیار بدی کرده بودند، ولی آن‌ها دورنمایی از زندگی خود داشتند و می‌خواستند به خارج از کشور بروند و در کانادا زندگی کنند و الان هم آنجا زندگی می‌کنند. این دختر نیز در حال حاضر دانشجویست و زندگی بسیار خوبی هم دارد. بنابراین، پدر و مادر ممکن است برای فرزند خود تصمیمی بگیرند، ولی نمی‌توانند آن تصمیم را در سطح یک مهدکودک و فرزندان دیگران اعمال کنند. نمی‌توان در قاعده یک

کلاس رسمی یا کلاس مربوط به آموزش و پرورش کشور آن روش شخصی را پیاده کرد.»

ناصری سپس یادآوری کرد: «شاید یک مربی بگوید تجربه شخصی من این است که الفبا را یاد بدهم، ولی تجربه شخصی شما نمی‌تواند برای فرزندان دیگران در یک کلاس اعمال شود. چون قانون می‌گوید این کار را نکن. ولی شما در مورد فرزند خود صاحب‌اختیار و صاحب‌نظر هستید. بنابراین ممنوع بودن آموزش الفبا در پیش‌دبستان را باید برای مادران توضیح دهید و آن‌ها را توجیه کنید. شما این ۹ مورد را برای پدر و مادرها توضیح می‌دهید و موافقت آن‌ها را می‌گیرید.»

وقتی برای درمان یک بیماری نزد پزشکی می‌روید و او به شما یک آمپول می‌دهد، ممکن است بگویید من این آمپول را نمی‌زنم، چون دوست ندارم. دکتر می‌گوید من می‌توانم به شما قرص هم بدهم، ولی شرایط شما به گونه‌ای است که باید آمپول بزنید. قاعدتا در آنجا چک و چانه نمی‌زنید که چرا این‌گونه است؟ این یک قاعده و قانون است و شما آن را می‌پذیرید.

پس در این باره می‌توان سؤال‌های زیادی مطرح کرد. برای مثال، در وضوگرفتن چه اشکالی دارد اول دست چپ را بشوییم و بعد دست راست را؟ در صورتی که این قاعده است که اول دست راست را بشوییم و ما آن را پذیرفته‌ایم و انجام می‌دهیم. البته اگر در مورد آن جست‌وجو کنیم حتماً دلیلی برایش وجود دارد، ولی اگر دلیل آن را هم ندانیم، آن را انجام می‌دهیم و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آید. می‌خواهم بگویم تمام این

چیزهایی که وجود دارند قوانینی دارند و اگر می‌خواهید دلیل آن‌ها را بدانید، می‌توانید بروید و در موردشان مطالعه کنید. اگر دلایل را نمی‌دانستید و در چارچوب قانون آمد، یا دلایل آن را ندانستید و انجام دادید، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. مثلاً یک نفر متخصص زبان‌شناسی است و می‌گوید که الفبا را می‌توانید با این ادله انجام دهید. اگر این زبان‌شناس می‌خواهد با ادله خود برای گروه خودش کاری انجام دهد، می‌تواند. اما اگر این شخص در ایران به‌عنوان مربی وارد پیش‌دبستان شود، نباید این کار را انجام دهد. او می‌تواند برای فرزند خود این کار را انجام دهد، ولی برای فرزند دیگران

شاید یک مربی بگوید تجربه شخصی من این است که الفبا را یاد بدهم. ولی تجربه شخصی شما نمی‌تواند برای فرزندان دیگران در یک کلاس اعمال شود. چون قانون می‌گوید این کار را نکن. ولی شما در مورد فرزند خود صاحب‌اختیار و صاحب‌نظر هستید



« با اولیا جلسه بگذارید

در این قسمت از برنامه، دوباره سؤال و جواب مطرح شد. سخنران جلسه محیط را به گونه‌ای مهیا کرد که ابهام‌ها برطرف شوند. لذا هر کسی در لابه‌لای صحبت‌ها سؤالی به ذهنش می‌رسید، آن را در میان می‌گذاشت و پاسخ می‌گرفت.

نوه من دوم دبستان است. من در طول هفته سه تا چهار ساعت، به بهانه اینکه او را سوار ماشین کنم و با خودم به ورزش فوتبال ببرم و برگردانم، با او هستم. در این فاصله می‌بینم که خیلی چیزها از دوستان خود یاد گرفته است. ولی چون دوستان همه در سطح فرهنگی خوبی هستند، به‌طور کلی چیزهای خوبی یاد گرفته است. ایشان تعریف می‌کرد، من به یک سمینار دندان پزشکی رفته بودم و همسر و نوهام را با خودم برده بودم. در قسمتی از سمینار، سخنران در مورد هوش مصنوعی صحبت می‌کرد. نوه من نیز در این سخنرانی و سمینار حضور داشت و گوش می‌کرد. او به من گفت همه چیزهایی را که این آقا می‌گوید من می‌دانم. آن سخنران داشت در مورد هوش مصنوعی و تأثیری که در زاویه‌های متفاوت دارد صحبت می‌کرد. من از نوهام سؤال کردم مگر شما می‌توانی همه چیز را بنویسی؟ گفت نه. نمی‌توانم بنویسم، ولی می‌توانم صحبت کنم و هوش مصنوعی خودش آن را درست می‌کند. ایشان گفت، من برای اینکه این موضوع را امتحان کنم، دست

● یکی از حاضران: «خیلی از خانواده‌ها به ما می‌گویند وقتی ما کودک خود را به کودکان غیردولتی آوردیم، باید با مراکز دولتی تفاوتی داشته باشد. موارد ممنوع را نیز باید به بچه‌های ما آموزش دهید. به این‌ها چه باید بگوییم؟»
ناصری: «شما باید بگویید که این‌ها ممنوع هستند. همچنین باید بگویید ما کارهایی انجام می‌دهیم که در مهارت‌های اجتماعی و مهارتی کودکان شما تأثیر دارند، ولی آن چیزهایی نیستند که شما می‌خواهید. یک بار یکی از دوستان دندان‌پزشک من جمله‌ای گفت که من واقعا تا به حال از این زاویه به مدرسه‌های غیردولتی نگاه نکرده بودم. ایشان نوه خود را با شهریه بسیار بالا به یکی از مدرسه‌های خیلی خوب تهران فرستاده بود. به من گفتند که آقای ناصر، آیا می‌دانید من هزینه چه چیزی را برای نوهام پرداخت می‌کنم؟ من سؤال کردم هزینه چه چیزی؟ او گفت من هزینه رفیق‌های خوب نوهام را پرداخت می‌کنم. تا به حال از این زاویه به موضوع نگاه نکرده بودم. ایشان گفت در حال حاضر



این موارد مهم‌تر از آموزش نکات مربوط به دبستان است. موضوعاتی که من در اینجا مطرح می‌کنم، بیشتر تیترو موضوعات است، وگرنه هزاران موضوع و مطلب داریم.

لطفاً این موارد را به وبگاه ما رجوع دهید. ما سعی می‌کنیم بخش دانش‌افزایی اولیا را نیز به وبگاه خود بیفزاییم. شما می‌توانید خیلی راحت به اولیا بگویید مجموعه‌ای که ما با آن کار می‌کنیم وبگاه پاپالو است و نشانی آن را بدهید تا به آن مراجعه کنند: (paapaaloo.com)

ما سعی می‌کنیم اولیا را با خودمان و با شما همراه کنیم تا ولی محترم شما بداند که کارکرد پیش‌دبستان یک مجموعه چیزهای دیگر است. او چون مثلاً هفت میلیون پول داده است، می‌گوید ۳۲ حرف فارسی داریم و از ۳۲ حرف حداقل باید ۱۵ حرف آن را یاد بدهید، یا اینکه من انتظار ندارم اعداد را تا ۱۰۰۰ یاد بدهید، ولی تا ۱۰ را به بچه آموزش دهید. هرچند آموزش این چیزها در پیش‌دبستان بسیار بسیار راحت‌تر از مواردی است که شما باید به بچه‌ها یاد بدهید. کاری که شما قرار است انجام دهید، از جنس حوصله و از جنس مایه‌گذاشتن از خودتان است. من نمی‌گویم در دبستان از خودشان مایه نمی‌گذارند، بلکه جنس مایه‌گذاشتن شما نوع دیگری است. مثلاً شما یک بچه صفر را تحویل می‌گیرید و بچه‌های متفاوت تحویل می‌دهید. یا کودکی منزوی را تحویل می‌گیرید و بچه‌ای را که یک سطح بالا آمده است تحویل والدین می‌دهید. مثلاً یک بچه وابسته را تحویل می‌گیرید و یک بچه اهل کار گروهی را تحویل می‌دهید.

● یکی از حاضران: من با اجازه می‌خواستم به صحبت شما نقد داشته باشم.

بلند کردم و از استاد سؤال کردم اگر متن نوشته یا تصویر نباشد، آیا می‌توانیم حرف بزنیم؟ ایشان در پاسخ گفت این موضوع را به جلسه بعد مؤکول کنیم که در مورد آن صحبت کنیم. دوست ما می‌گفت من نمی‌دانستم استاد جواب سؤال من را می‌داند یا خیر، ولی طیف هم‌سالان نوه من از نظر موقعیت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی نزدیک به هم هستند و ما هزینه بده بستان‌هایشان با هم را پرداخت می‌کنیم. من خیلی متأسفم که این موضوع را می‌گویم و ما باید آن را قبول کنیم. در هر صورت، در ایران فضاهای آموزشی به هر شکل یکسان نیستند.»

مدرس جلسه در ادامه برنامه افزود: «من اولین سال‌های خدمت خود را در منطقه ۱۷ گذراندم. شنیدم که در منطقه ۱۸ برای کودکان فضای بزرگی را در نظر گرفته‌اند. من از این موضوع خیلی خوش‌حال شدم؛ امکانی که مراکز غیردولتی دیگر از آن محروم هستند. اینکه بچه در آن مرکز پیش‌دبستان با یک حیاط هزار متری روبه‌روست و به راحتی می‌تواند جست‌وخیز کند، یک امتیاز است. ولی از طرف دیگر، کلاسی ۴۰ نفری که بچه‌ها از هر نوع فرهنگی در آن حضور دارند نیز خود یک نقطه‌ضعف است. در صورتی که در مدرسه یا کودکان غیردولتی در هر کلاس حدود ۱۵ نفر حضور دارند و مربی ۱۵ نفر را پشتیبانی می‌کند. پس کودک در آنجا یک مجموعه چیزهای دیگر را یاد می‌گیرد.

وقتی ما از هزینه صحبت می‌کنیم، باید بدانیم از این هزینه کردن چه مابه‌ازایی اتفاق می‌افتد. باید به این والدین محترم گفت، شما غصه این را که بچه الفبا یا اعداد را یاد بگیرد نخورید. چیزهای مهم‌تر از این موضوعات در این سن وجود دارند. او را مجاب و آگاه کنید. چون اولیا می‌گویند مثلاً من سالانه هفت میلیون هزینه می‌کنم و انتظار دارند از شما بازخورد کمی بگیرند. چون با دید کمی نگاه می‌کنند و به این موضوع توجه ندارند که وقتی کودک به مدرسه می‌آید و حال او خوب می‌شود، چه قیمتی دارد.»

● یکی از شرکت‌کنندگان: به نظر من برای اولیا یک جلسه گذاشته شود که آن‌ها نیز مجاب و آگاه شوند.

ناصری: «آیا شما این جلسه را برگزار نمی‌کنید؟ اگر چنین جلساتی ندارید، باید برگزار کنید.»

سرکار خانم قدیمی! لطفاً یک جلسه برگزار کنید که اولیا در آن حضور داشته باشند و ما از یک روان‌شناس تربیتی دعوت کنیم راجع به مهارت‌های شخصیتی و اجتماعی بچه در این سن صحبت شود تا بدانند چقدر

فرمودید شما بچه صفر را تحویل می‌گیرید. در صورتی که با فناوری و شرایط امروز و فضاهای مجازی و آمدن هوش مصنوعی و سطح بالای فناوری، به نظر من امروزه هیچ بچه‌ای با حالت صفر و دست‌نخورده به مدرسه نمی‌آید. تنها چیزی که ما با بچه‌های پیش‌دبستان داریم، روند جداسدن آن‌ها از والدین است، چون وابستگی به والدین دارند. بچه‌ها یا تک‌فرزندند یا اگر دو یا سه فرزند هستند، والدین به فرزند آخر توجه بیشتر دارند. در شرایط حاضر، والدین انتظارات بسیار زیادی پیدا کرده‌اند و انتظار دارند همان‌طور که شما مثال زدید، اتفاقاتی که در مدرسه‌های ژاپن روی می‌دهند، در اینجا نیز همان‌گونه باشد. من به‌عنوان مثال در حال حاضر چارچوب‌هایی دارم که باید طبق آن‌ها عمل کنم. مجموعه‌ای کار را انجام بدهم و کارهایی را نه. ولی مادر آگاه آن را از من نمی‌پذیرد و می‌گوید بچه من که پنج سال دارد، حداقل باید بلد باشد تا ۱۰ بشمارد. ناصری: «این باید را از کجا آورده است؟»

● یکی از مربیان: «این باید را از مراکز دیگری که این کار را انجام می‌دهند، آورده است.» ناصری: «من فرمایشات شما را تأیید می‌کنم و قبول دارم. ما ایرانی‌ها ویژگی‌های فرهنگی خوبی داریم. ویژگی‌های فرهنگی بدی نیز داریم. دو ویژگی فرهنگی بد ما چشم و هم‌چشمی و دهن‌بینی است. یعنی دهن‌بینی و چشم و هم‌چشمی جزو فرهنگ ماست. کار ساده‌ای هم نیست که من بیایم حدود یک ساعت و نیم با شما صحبت کنم و شما به‌راحتی آن را بپذیرید. من سال‌ها در کف کلاس معلم و مدیر بودم و از آن کف کلاس بالا آمده‌ام. صحبت‌های شما را کاملاً درک می‌کنم. این کارها تدریجی هستند و با یک سخنرانی حل نمی‌شوند. حتی اگر ۱۰۰ سخنرانی نیز برگزار کنیم، اصلاح فرهنگ یک امر کند و تدریجی است. اولیا خیلی از چیزها را در سطح جامعه می‌بینند و توقع دارند شما به‌عنوان مدرسه یا کودکستان انجام دهید. اما ما می‌دانیم که وظیفه هر کسی به‌اندازه بضاعت و توانایی‌ای است که برای او ایجاد شده است. ممکن است کودک پنج‌ساله در خانه به دلیل موقعیت فرهنگی پدر و مادر، یا برادر و خواهر بزرگ‌تر، از نظر آموزشی خیلی خوب باشد. این‌ها استثنائاتی هستند که ممکن است وجود داشته باشند. اما کتاب درسی پایه اول تأیید شده است. فلسفه اصلی این کتاب بر اسناد بالادستی

آموزش و پرورش مبتنی است و این را از شما می‌خواهد و به شما می‌گوید لطفاً وارد آموزش الفبا و ریاضیات نشوید. به دلیل اینکه تجربه ثابت کرده است بچه‌هایی که در پیش‌دبستان الفبا و ریاضیات یاد می‌گیرند، بعداً در پایه اول دبستان موجب اختلال و اختلال در کلاس می‌شوند. چون بچه نمی‌تواند بنشیند و چیزی را که بلد است گوش دهد.»

● یکی از حاضران: «سال‌ها روش کار در پیش‌دبستان به گونه‌ای بوده که مقدماتی از حروف الفبا و اعداد را به بچه یاد دهند و بعد وقتی کودک وارد پایه اول شد، معلم با خلاقیت بیشتری آن را برای بچه جا بیندازد. همان‌طور که شما می‌دانید، از پایه اول تا پایان دبستان طبق برنامه آموزش و پرورش یک بودجه‌بندی وجود دارد. وقتی ۴۰ دانش‌آموز در یک کلاس اول ابتدایی هستند و هیچ چیزی را به‌عنوان زمینه آموزش ندیده‌اند و هیچ‌گونه پیش‌فرضی ندارند، آیا معلم اول ابتدایی می‌تواند اعداد یک و دو را به این کودکان آموزش دهد؟ وقتی معلم سعی خود را می‌کند و می‌بیند بچه‌ها هیچ پیش‌زمینه‌ای ندارند و یاد نمی‌گیرند، طبق بودجه‌بندی خود از آن می‌گذرد و وارد بحث بعدی می‌شود.»

ناصری: «اول از همه می‌خواهم بگویم، صحبت‌های من از جایگاهی است که خدمت شما عرض می‌کنم. من ۱۶ سال در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بودم که ۱۱ سال آن را مدیر کل بودم. در شورای علمی جزو اشخاص بودم که تصمیم می‌گرفتم. عذرخواهی می‌کنم که این موضوع را گفتم، ولی این موقعیت کارشناسی من بوده است. بنابراین، این وظیفه پیش‌دبستان نیست و این وظیفه اول ابتدایی است. بچه وارد پایه اول که می‌شود، طبق بودجه‌بندی، در این بازه زمانی باید الفبا را آموزش ببیند. اگر در آنجا اختلالی وجود دارد، این وظیفه اول ابتدایی است و نه پیش‌دبستان. همه حرف من این است که آنچه توقع آن از ابتدایی است و اولیا از شما در پیش‌دبستان انتظار دارند، وظیفه ذاتی دوره پیش‌دبستان نیست.»

فرهنگ‌سازی کنیم

● یکی از حاضران: «من فرمایش شما را واقعاً قبول دارم. این روش بار مسئولیت مرا کمتر می‌کند. ولی اولیا چنین چیزی را نمی‌پذیرند.» ناصری: «طبیعی است که ما باید فرهنگ‌سازی کنیم.»

● **مربی حاضر در کارگاه:** «با این شیوه و دستورالعملی که شما می‌فرمایید و از طرف دیگر انتظاراتی که والدین دارند، من مجبورم گاهی اوقات آموزش حروف الفبا را در پیش‌دبستان انجام دهم. خب ما چرا باید چنین اشتباهی را مرتکب شویم؟»

ناصری: «شما اشتباه نمی‌کنید. اما اینکه انجام می‌دهید و کنار می‌گذارید، در آنجا اشتباه می‌کنید. مثلاً مدیر یا مؤسس مدرسه به شما می‌گوید بسته من می‌دانم من می‌توانم را در کلاس کار کنید، ولی کنار آن حروف الفبا را نیز آموزش دهید. من این موضوع را متوجه می‌شوم، ولی می‌گویم شما نگویید که در این صورت کار من راحت‌تر است. کار شما راحت‌تر نیست، بلکه عمیق‌تر و انسانی‌تر است و اگر آن را انجام دهید، کار شما حرفه‌ای‌تر است. آموزشی که شما می‌دهید، مانند زودپز نیستند که سریع صورت گیرد. بلکه تدریجی و آرام است و چندان مشهود نیست. مهم‌ترین کار شما این است که فردیت بچه را به جمعیت تبدیل می‌کنید. آیا این کار کمی است؟ در صورتی که این کار کمی نیست. می‌خواهم مثالی خدمت شما عرض کنم که خیلی از مهدهای کودک انجام می‌دهند و کار بسیار بدی است. مثلاً در شب یلدا به بچه غزل حافظ یاد می‌دهند. در صورتی که بچه از آن هیچ چیزی متوجه نمی‌شود. بعد از اولیا دعوت می‌کنند، یک جشن می‌گیرند و انار و بقیه ملزومات را می‌گذارند و به اولیا می‌گویند من به هر یک از این بچه‌ها یک غزل حافظ آموزش داده‌ام. در صورتی که در اینجا اصلاً حقوق کودک در نظر گرفته نشده است. شعری می‌خوانند که حتی پدر و مادر بچه آن را حفظ نیستند و نمی‌دانند شما به چه حقی این کار را انجام می‌دهید؟ شعری که بچه نه آن را می‌فهمد و نه از آن لذت می‌برد. برای چه آن را به بچه تحمیل می‌کنید؟ در صورتی که در پایان اولیا با تشویق می‌گویند او چقدر مربی خوبی است. ولی آن مربی را که بچه آن‌ها را از نظر روحی، از نظر شخصیتی و از نظر اجتماعی بالا برده است، نمی‌بینند.»

● **یکی از حاضران:** «اگر همه پیش‌دبستان‌ها این موضوع را رعایت کنند، خیلی بهتر است. چون در این صورت والدین بین نوآموزان مقایسه انجام می‌دهند و مدام آن را به مربیان گوشزد می‌کنند. حتی بعضی جاها رایانه و زبان خارجی را نیز با نوآموزان کار می‌کنند.»

ناصری: «این همان فرهنگ مقایسه است که خدمت شما عرض کردم. مشکل کار در همین جاست. یک مثال از آقای مطهری برای شما عرض می‌کنم که بسیار زیباست و قطعاً از آن استفاده خواهید کرد.»

شهید مطهری تعریف می‌کند، یک مرجع تقلید در یک جلسه روضه حضور پیدا می‌کند. روضه‌خوان روضه می‌گوید و همگان‌های‌های گریه می‌کنند. این مرجع در آن جلسه روضه خیلی ناراحت می‌شود. وقتی روضه تمام می‌شود، به روضه‌خوان می‌گوید نزد من بیا. می‌گوید این‌ها را که خواندی، از کجا آوردی! روضه‌خوان می‌گوید از اطراف شنیده‌ایم و آن را خواندیم. مرجع تقلید می‌گوید بیخود این کار را انجام دادید. امام حسین (ع) در قضیه عاشورا این بود و این بود و این بود. روضه‌خوان می‌گوید اگر ما این‌ها را بگوییم که کسی گریه نمی‌کند، باید «یک چیز» به آن اضافه کنیم که کسی گریه کند. مرجع تقلید به روضه‌خوان می‌گوید من به‌عنوان مرجع تقلید به شما می‌گویم این مواردی را که اضافه کردی نخوان، چون درست نیست. فردا به شیوه‌ای که من گفتم روضه بخوان. روضه‌خوان فردا پای منبر می‌رود و روضه می‌خواند. مرجع تقلید نیز در آنجا حضور دارد. روضه‌خوان شروع می‌کند به گفتن چیزهایی که ایشان گفته بود. می‌بیند همه مردم فقط نگاه می‌کنند و هیچ کسی گریه نمی‌کند. مجتهد وقتی می‌بیند مجلس روضه خیلی حالت دیگری پیدا می‌کند، به روضه‌خوان می‌گوید «یک چیز» را اضافه روضه کن. در اینجا «آن چیز» یعنی هر چیزی که فکر می‌کنید مردم خوششان می‌آید. او این کار را انجام می‌دهد و مجلس دوباره به حالت گریه در می‌آید و شور و حال پیدا می‌کند.

بنابراین، در آموزش و پرورش نیز خیلی جاها «یک چیز» به برنامه اضافه کرده‌اند. من متوجه می‌شوم که شما چه می‌گویید، ولی آیا من در مقام دفاع از مؤسس هستم؟ من در مقام دفاع از حیثیت پیش‌دبستان آمده‌ام که خدمت شما صحبت کنم.»

● **یکی از حاضران:** «در مورد آواها و صداها چطور!»
ناصری: «آواها و صداآموزی را داریم. به بخش زبان‌آموزی برسید، این موارد را داریم.»

● **یک مربی:** «یکی از مشکلات عمده ما این است که اگر در یک کلاس و یک مؤسسه به این روش کار شود و



در کلاس دیگر اعداد و حروف الفبا کار شوند، همه اولیا بر سر ما هوار می‌شوند. مثلاً یکی از اولیا می‌گفت اگر با این سرعت پیش بروید، ان‌شاءالله فرزند ما دفاع دکترای خود را نیز در پیش‌دبستان خواهد داشت! مثلاً من خودم ارشد زبان فارسی هستم و به خودم اجازه نمی‌دهم به بچه‌ها حروف الفبا را آموزش بدهم، ولی همکاران من در حال یاد دادن طرز نوشتن حروف الفبا و اعداد هستند. مشکل این است که دو تا سه کلاس هستیم که این کار را انجام نمی‌دهیم. ولی کلاس‌های دیگر این کار را انجام می‌دهند و والدین واقعاً به ما اعتراض می‌کنند.»

ناصری: «من حتماً تجربه‌های شما را تأیید می‌کنم و تجربه آن را نیز دارم. ما می‌گوییم کار علمی تخصصی اصولی و قاعده‌مند این است. شاید اولیا بر سر شما هوار شوند و این متأسفانه در خیلی جاها اتفاق می‌افتد. من در جایی که نشسته‌ام، نمی‌خواهم مبتلاهای شما را پاسخ بدهم، بلکه می‌خواهم تفاوت پیش‌دبستان و دبستان را خدمت شما عرض کنم. بحث شما را من می‌دانم و از واقعیت اطلاع دارم، ولی درود بر شما برای اینکه به‌عنوان کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، از این موضوع که آموزش الفبا مخصوص این سن نیست، دفاع کردید. کار بسیار سختی انجام می‌دهید که واقعاً قابل تقدیر است.»

● یکی از حاضران: استاد، آیا بهتر نیست مانند کشورهای پیشرفته مثل ژاپن و فنلاند، آموزش پیش‌دبستان و دبستان زنجیروار باشند؟ یعنی یک بسته آموزشی کامل در نظر گرفته شود و وقتی بچه وارد پایه اول ابتدایی می‌شود، با بحرانی بزرگ مواجه نشود. من خودم سال‌ها پایه اول ابتدایی را درس داده‌ام. به نظر من این دوره را باید برای معلمان اول ابتدایی داشته باشیم؛ به‌خصوص برای مدرسه‌های دولتی. آن‌ها وقتی وارد نشانه‌ها می‌شوند، در حالی که ممکن است بچه هنوز نشانه قبلی را یاد نگرفته باشد، وارد آموزش نشانه بعدی می‌شوند. به نظر من ما سر خود را کلاه می‌گذاریم. به خودمان دروغ می‌گوییم و در حق بچه‌های خودمان ظلم می‌کنیم.

در عصر حاضر که ما با هوش مصنوعی روبه‌رو هستیم، مادر به ما می‌گوید من برای پیش‌دبستان هزینه نمی‌کنم. بچه را به‌صورت جداگانه در کلاس‌های مختلف ثبت‌نام می‌کنم و خروجی خیلی بهتری خواهم داشت. وقتی از کشورهایی صحبت می‌کنیم که در آموزش جلو هستند، مانند ژاپن، فنلاند و چین، باید بدانیم که زنجیره بین

پیش‌دبستان و دبستان نباید قطع شود. در صورتی که ما آن را قطع کرده‌ایم. ما باید چه کاری انجام دهیم؟ صدای ما به جایی نمی‌رسد. زور ما به جایی نمی‌رسد. اولیا را متقاعد کنیم؟ آموزش و پرورش را متقاعد کنیم؟ از طرف دیگر مؤسس را متقاعد کنیم؟ ما چه کسانی را باید متقاعد کنیم؟ با پتانسیل‌های بالا و با نخبه‌هایی که در حال حاضر داریم. من بچه‌ای داشتم که در سن شش سالگی بازی طراحی می‌کرد. از کشورهای دیگر او را خواسته‌اند، به خاطر بازی‌هایی که طراحی می‌کند. در ایران کدام بچه را حمایت می‌کنند؟ در صورتی که این بچه نخبه بود و نخبه‌ها بین بچه‌ها کم نیستند. اگر ما این کتاب‌ها را آموزش می‌دهیم، در کنار آن باید این زنجیره باشد و این زنجیره را قطع نکنیم. ما این زنجیره را نداریم. باید چکار کنیم؟»

محمد ناصری در این بخش از برنامه خطاب به سید کمال شهابلو گفت: «ما چگونه می‌توانیم پی‌دی‌اف کتاب به‌سوی مدرسه فردا را که اندیشه‌های آقای امانی تهرانی است، به‌صورت رایگان در اختیار دوستان قرار دهیم؟»

آیا می‌توانند امروز پی‌دی‌اف این کتاب را در کانال قرار دهند؟ این کتاب در تأیید فرمایش این خانم است و کمی وسیع‌تر در مورد آن صحبت کرده است. آقای محمود امانی تهرانی در حال حاضر دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش است. زمانی که ایشان مدیرکل دفتر تألیف بود، من هم یکی از مدیران سازمان بودم. او یکی از دوستان قدیمی من است. کتاب در مورد



پیش‌دبستان در ایران معنای چندان خاصی نداشت، اما اشکال آن این است که در یک مدرسه واحد، دو سبک متناقض کار می‌شود، یا دو مدرسه کنار هم با دو سبک متناقض کار می‌کنند. این باعث تأسف است، ولی شما که این مسائل را می‌دانید و می‌فهمید، روی این موضوع که آموزش الفبا بر اساس تجربه کاری و علمی و دانشی و تخصصی خودتان در پیش‌دبستان مجاز نیست، سعی کنید کمی روی حرف خود بایستید. مطمئناً فشار ناآگاهانه خانواده‌ها به همین منوال ادامه خواهد پیدا کرد و درست نخواهد شد. من دوست دارم تجربه‌های موفقیت در زمینه فرهنگ‌سازی را به شما بگویم.

شما خاطرتان هست که قدیم‌ترها مردم وقتی سوار ماشین می‌شدند، معمولاً کسی کمربند ایمنی نمی‌بست. حتی خاطر من هست یکی از بستگان ما که از خارج کشور آمده بود، وقتی سوار ماشین شد، تعجب کرد چرا ما کمربند نمی‌بندیم. من آن زمان واقعاً از سؤال ایشان خنده‌ام گرفت، ولی ایشان کمربند خود را بست.

حال در یک برهه آمدند و بچه‌های دبستان را به‌عنوان همیار پلیس معرفی کردند و گفتند شما به‌عنوان همیاران پلیس وظیفه دارید همین که در ماشین نشستید، اگر کسی کمربند ایمنی نیست، به او تذکر بدهید. کار جالبی هم کرده بودند. اینکه بچه‌ها می‌توانند تذکرشان را به‌صورت کتبی هم بنویسند. مثلاً من خاطر من هست، یک بار در مسیر کوتاهی بین دو کوچه، کمربند نیستم و پلیس جریمه‌ام کرد. پلیس به‌طور محکم پشت این قضیه ایستاد. الان این موضوع به فرهنگ تبدیل شده است. یعنی فرهنگ اصلاح شد. تغییر و تعویض فرهنگ زمان‌بر است و دقیقاً جای آن پیش‌دبستان و دبستان است. می‌خواهم بگویم، کاری را که انجام می‌دهید دست‌کم نگیرید. شما می‌توانید فرهنگ را عوض کنید.

● صحبت یکی از حاضران: استاد تغییر این نظام آموزشی ۶، ۳، ۳ غیرممکن است.

ناصری: «بله. این قضیه اجرایی خواهد شد. می‌خواهم بگویم، وقتی اوایل این طرح ناقص اجرا شد، کلا کار را خراب کرد. قبلاً نظام ما ۵، ۳، ۴ بود. بعد گفتند ۶، ۳، ۳ بشود. اشتباه این بود که ریتم دبستان را به جای اینکه از سمت پیش‌دبستان بالا بکشند، از سمت راهنمایی به اینجا آوردند. بچه‌ای که کلاس پنجم بود، یک‌مرتبه در پایه بالاتر با مجموعه‌ای درس مواجه شد

اندیشه‌های ایشان در مورد آموزش و پرورش ایران است. در یکی از میزگردها، که من نیز در آن حضور دارم، به ایشان گفتم، اتفاقی که در مدرسه می‌افتد و ارزشیابی‌ای که در ابتدای پیش‌دبستان و دبستان صورت می‌گیرد، ناهماهنگ هستند و با یکدیگر جور در نمی‌آیند. کسی که در پیش‌دبستان آزاد است، به یک‌مرتبه وارد دبستان و وارد چارچوب می‌شود!

جواب ایشان این بود که متأسفانه در نظام ۳، ۳، ۳ که در سال ۱۳۹۰ وزیر وقت آن را به‌اجبار اجرایی کرد، طراحی و برنامه‌ریزی ما این بود که از پیش‌دبستان دقیقاً تا سوم ابتدایی معنا و ریتم یکسانی وجود داشته باشد. یعنی بین اول، دوم و سوم ابتدایی این دنگ و فنگ و این فاصله‌ها وجود نداشته باشد و اول ابتدایی سیر منطقی پیش‌دبستان باشد. ولی متأسفانه پایه ششم را در دبستان لحاظ کردند. ایشان مقام رسمی کشور هستند و در آن زمان نیز مقام رسمی تعلیم مملکت بودند. ما یک خانواده هستیم و متأسفانه در مملکت ما چیزهایی وجود دارد که قاعده و قانون شده است. سازمانی مانند سازمان تعلیم و تربیت کودک حرفی را می‌زند، ولی در اجرا هر کسی ساز خود را می‌زند. من فرمایش شما را قبول دارم. ولی از طرف دیگر در کشورهای دیگر با سابقه‌ای طولانی در این زمینه کار شده است و در کشوری مانند ژاپن، روی پیش‌دبستان و دبستان چند صد سال کار شده است. اما متأسفانه پیش‌دبستان در ایران هنوز عمری ندارد. از پنج سال شروع شد و بعد به چهار سال رسیدند.

خواندن؛ ۴. مهارت نوشتن.

در زبان‌ها دو مهارت اول خیلی خیلی مهم‌تر هستند؛ یعنی مهارت شنیدن و خواندن. البته در آموزش زبان دوم دو مهارت شنیدن و خواندن مهم هستند. اگر بخواهید زبان انگلیسی یا زبان آلمانی یاد بگیرید، این دو مهارت اولویت دارند؛ اول شنیدن (listening) و بعد خواندن (reading)؛ با تمرین‌های مربوط به آن‌ها. مرحله سخت‌تر نوشتن است. چون باید متنی تولید کنید. البته صحبت هم می‌توانید بکنید. بالاخره بچه یک‌ساله می‌تواند با ۵۰ واژه کار خود را راه بیندازد. ما نمی‌خواهیم وارد کلیت زبان‌آموزی شویم. کسی که می‌خواهد زبان مادری را آموزش ببیند، این چهار مهارت را باید یاد بگیرد. یعنی بتواند خوب و صحیح بشنود.

ما برای تقویت این مهارت در کل مجموعه، حتی برای قصه‌ها و شعرها، قطعه‌هایی داریم که در استودیو و رادیو نمایش و توسط افراد حرفه‌ای ضبط شده‌اند و خیلی خوب هستند. افکت و موسیقی و شعرها هم ضرب دارند. برای اینکه بچه اگر خوب و صحیح بشنود، می‌تواند درست ادا کند. چرا خیلی از افراد متشکرم را متشکرم ادا می‌کنند؟ برای اینکه ت و ش را در کلمه متشکرم چ می‌شنود. بنابراین، شنیدن درست به حرف‌زدن درست کمک می‌کند. پس شما با قصه‌ها، شعرها و حرف‌زدن‌ها و شنیدن‌ها، آن سه مهارت را آموزش می‌دهید. بچه‌ها در ابتدا مداد را به شکل‌های متفاوت در دست می‌گیرند. شما در تقویت مهارت نوشتن باید کم‌کم سعی کنید در گرفتن مداد سه انگشت او را درگیر کنید. فعلاً باید ترس او از مداد و کاغذ بریزد. حد نوشتن در پیش‌دبستان همین است. وقتی در کتاب می‌گوییم پاپالو را با خط به گل برسان، این فعالیت آموزش نوشتن است. این نکته را شما باید به والدین بگویید که نوشتن در دوره پیش‌دبستان، برای بچه‌ای که هنوز عضلات او راه نیفتاده‌اند، این موارد است و این‌ها را باید یاد بگیرد. وقتی کودک در ابتدا می‌خواهد نقاشی کند، اجازه دهید خط‌خطی کند. در خط‌خطی خودش چهره پیدا می‌کند. اجازه دهید تخیل درگیر شود. اجازه دهید ذهن و دست‌ها با یکدیگر هماهنگ شوند. این‌ها کارهای اولیه نوشتن هستند.

ما در آوا آموزشی، تا سال گذشته، بر مبنای حروف الفبا کار می‌کردیم. همان‌طور که گفتیم، ما از دو گروه استفاده

که فضای آن‌ها فرق می‌کرد. اتفاق بد هم این بود که ضعیف‌ترین دوره ما دوره راهنمایی است. اشتباه زدند و به‌قول معروف سرنا را از سر گشاد آن زدند و به‌طور کلی کار خراب شد. من نمی‌خواهم وارد مقوله ابتدایی شوم، چون آن هم داستان خودش را دارد. درست این بود که از سمت پیش‌دبستان همین روند به سمت دبستان ادامه پیدا کند. البته من خوش‌بین هستم، به دلیل اینکه رفته‌رفته جایگاه پیش‌دبستان در حال تغییر است. امیدوارم در نظام جدید آینده پایه قرار گیرد.»

حرف‌زدن درست، نتیجه درست شنیدن است

● مربی حاضر در جلسه: «اگر این موضوع پایه شود، کار خیلی بهتر خواهد شد. هم اولیا راحت می‌شوند، هم مربیان از این فشار بیرون می‌آیند و اولیا این قدر مربیان را تحت فشار قرار نمی‌دهند و هرچه مربیان بگویند اجرایی می‌شود.»

ناصری: «فکر می‌کنم ان‌شاءالله سازمان تعلیم و تربیت کودک قوی‌تر شود و ساز و کار آن نیز فراهم شود. من از اینکه به بحث‌های خودمان نرسیدیم، خوش‌حال‌ترم. چون این بحث‌ها را می‌توانید در وبگاه ببینید. من این نوع بحث‌ها و این گفت‌وگوها را بیشتر دوست دارم. بنابراین، من الان وارد بسته نمی‌شوم، مگر اینکه شما سؤال بفرمایید و من جواب بدهم. اگر اجازه دهید، در مورد زبان‌آموزی بحثی را مطرح کنم. بعد اگر سؤالی داشتید، من پاسخگو خواهم بود.»

دبیر بسته تربیت و یادگیری در ادامه برنامه به سراغ مبحث زبان‌آموزی رفت و گفت: «در این نقشه برای هر هفته پنج قطعه وجود دارد. هر قطعه برای یک روز است و راهنمای مربی در مورد هر روز توضیح داده است. وقتی وارد کتاب می‌شوید، منطق کتاب به‌صورت چهار صفحه چهار صفحه بسته شده است؛ همراه با یک کار برگ. البته در مورد کاربرگ نیز توضیح خواهم داد. هر چهار کتاب تا پایان کتاب به همین شکل است. دو صفحه از این چهار صفحه، فضا سازی برای یادگیری مفاهیم عمومی است. یک صفحه از آن به تفکر و حل مسئله مربوط است و صفحه بعدی زبان‌آموزی است. این ریتم به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند.»

زبان‌آموزی در پیش‌دبستان به چه معناست؟ در زبان‌آموزی در هر زبانی باید شما چهار مهارت را تقویت کنید؛

۱. مهارت شنیدن؛ ۲. مهارت حرف‌زدن؛ ۳. مهارت

کردیم. یک گروه مربیان و یک گروه هم کارشناسان. کارشناسان دو روز قبل از اینکه برترین‌ها را اعلام کنند، که البته بعد از اعلام برترین‌ها ما برترین شدیم، برای ما نوشتند شما حتماً و حتماً باید کتاب‌های خودتان را تغییر دهید. ما قبلاً در کتاب‌های خود ب، پ، ج را داشتیم. آن‌ها گفتند ما کتاب‌های شما را تأیید نمی‌کنیم. باید حروف را بردارید و ببرید توی هجاها. البته حرف بدی هم نبود. کار ما را خیلی سخت کرد. ما برای اینکه این کار را انجام دهیم، به صورت شبانه‌روزی کار کردیم. ما هم آغاز و هم پایان را فقط در هجاهای کوتاه و بلند، آ، ای، او، صرف‌نظر از حروف، برداشتیم و ریتم کتاب‌ها را به این شکل درآوردیم تا آن‌ها متقاعد شدند و ما را برنده اعلام کردند. ما که خودمان طراح هستیم، متوجه شدیم که وقتی پ را کار کردیم، در راهنما هم شعر باید پر بنده باشد. برای اینکه می‌خواستیم کودک پ را بشنود. ولی به‌طور کلی نتوانستیم این‌ها را عوض کنیم. اما سال آینده مبنای هجای خود را با مبنای الفبای فارسی یکی می‌کنیم. این ایراد الان در کتاب ما وجود دارد. یعنی ریتم آن در هجا اصلاً مشکلی ندارد. مثلاً برای صدای - از کودک می‌خواهیم سه تا از تصویرهایی را که صدای - دارند مشخص کند.»

● یکی از حاضران: «استاد چرا - دو بار تکرار شده است؟ وقتی جلوتر هم می‌رویم، باز صدای - هست.»
ناصری: «ما طبیعتاً محدودیت صفحه داشتیم. وقتی بخواهیم شش آوا را درس بدهیم، آن‌ها را دوتا دوتا درس می‌دهیم و تکرار می‌کنیم. یعنی -، آ، ای، او. یکی از آن‌ها دو تاست.
بعضی از حروف، برای اینکه بچه‌ها آن‌ها را مجسم کنند، سخت است. ما بین لغت‌ها خیلی جست‌وجو کردیم. بچه باید بتواند چیزی را که می‌گوییم تصویر کند. اسب را می‌تواند بخواند، ولی اگر چیزی که شما می‌گویید انتزاعی باشد، بچه نمی‌تواند آن را بفهمد.»

● مربی حاضر در جلسه: «مثلاً حروف ز و گ را نداشت.»
ناصری: «برای اینکه در آن حروف نداریم. در واقع این کار را ما در زمان آموزش به این نحو سامان‌دهی کردیم. کاری که ما در زمان زبان‌آموزی انجام می‌دهیم. مبنای ما چیزی است که بر اساس درخواست سازمان تعلیم و تربیت کودک است و از حروف الفبا آن را به هجاهای کوتاه و بلند منتقل کردیم.»

● یکی از حاضران: «شما در صحبت‌های خود فرمودید وقتی نوآموزان وارد پیش‌دبستان می‌شوند، توانایی‌های خاصی ندارند. ما یک مرکز غیردولتی هستیم. بچه‌ها از دو یا سه‌سالگی مرد بوده‌اند و واقعاً بزرگ شده‌اند و توانایی‌های زیادی دارند. این‌ها در مهدکودک‌های غیردولتی توانایی‌های بالایی کسب کرده‌اند. حال به نظر شما ما با اولیای این بچه‌ها چه کاری و چه برخوردی باید انجام دهیم؟»

ناصری: «این‌ها همان تفاوت‌های فردی هستند که خدمت شما عرض کردم. مثلاً چه توانایی‌هایی بالایی دارند؟»

● مربی حاضر در جلسه: «مثلاً قبل از اینکه ما بگوییم، نحوهٔ درست‌گرفتن قلم در دست را می‌دانند.»
ناصری: «این تأثیر دوره‌هایی است که رفته‌اند و شما در اینجا ضرری نکردید. ما در این بسته هزار فعالیت داریم؛ قصه‌گویی، شعر، نمایش خلاق، آزمایش و گردش علمی. این‌ها فعالیت‌های شما هستند. طفلی بچه‌هایی که از یک سال و نیمگی در مهد بوده‌اند! درست است که در مهارت‌های اجتماعی خود پیشرفت کرده‌اند، ولی در چیزهای دیگر، اتفاقی که در خانه می‌افتد، در مهد برای بچه رخ نمی‌دهد.

من با این موارد کاری ندارم. در این هزار فعالیت، به غیر از فعالیت‌های مدادکاغذی و مهارت‌هایی که گفتید این بچه‌ها دارند، در سایر نکات مشخص نیست واقعاً توانایی داشته باشند. شما به‌صورت بازی‌محور جلو می‌روید. تا سن نوجوانی بازی برای بچه سرگرم‌کننده است. می‌تواند تکرارشونده باشد. بازی برای بچه خسته‌کننده نیست، لذت‌بخش است. حتی ما بزرگ‌ترها هم از بازی لذت می‌بریم. رسالت بزرگ شما در پیش‌دبستان، به‌وجودآوردن حال خوب، نشاط و سرزندگی و در عین حال اتفاقاتی است که بچه از آن فضای غنی مطالبی را می‌آموزد. اینکه شما می‌فرمایید احتمالاً این بچه‌ها در دست‌ورزی از بقیهٔ بچه‌ها قوی‌ترند، مشخص نیست در مهارت‌های دیگر چگونه هستند.»

از هنرهای فردی خودتان استفاده کنید

● یکی از حاضران: «تحصیلات من در زمینهٔ نمایش خلاق است. وقتی من با بچه‌ها نمایش کار می‌کنم، مادران شاکمی می‌شوند ما بچه‌های خود را به پیش‌دبستان



نمی‌فرستیم که با آن‌ها نمایش کار کنید تا بازیگر شوند! ایدئال‌های همه مادرها و پدرها دکتر و مهندس شدن بچه‌های آن‌هاست. از نظر آن‌ها باید بچه‌ها هر چه زودتر نوشتن یاد بگیرند.»

ناصری: «درست است و این از قسمت‌های سخت کار شماست. سعی کنید از هنرهای شخصی و فردی خودتان استفاده کنید. چون این بسته منعطفی است و شما که نمایش خلاق کار کرده‌اید، یا مربی‌ای که قصه‌گویی خوبی دارد، یا کسی که رشته تجربی خوانده و در آزمایش مهارت دارد، سعی کنید از توانایی‌های فردی خود بیشتر استفاده کنید. بچه‌ای که نمایش خلاق را از پنج‌سالگی یاد بگیرد عالی است. باید به مادران بگویید در نمایش خلاق اتفاق اصلی در اعتمادبه‌نفس کودک رخ می‌دهد. در حرف زدن بچه اتفاقات خوبی می‌افتد. اتفاقی که در تخیل‌ورزی کودک در اجرای پانتومیم و نمایش خلاق رخ می‌دهد، چیز کمی نیست. باید با این روش آن‌ها را مجاب کنید. یعنی پیشنهاد من به شما این است که شما در ارتباط با نمایش خلاق برای خانواده‌ها مایه بگذارید تا نگاه آن‌ها را نسبت به کاری که انجام می‌دهید عوض کنید. نمایش خلاق فوق‌العاده است. اگر کودک به خوبی قصه تعریف کند و والدین بگویند ما نمی‌خواهیم بچه ما قصه گو شود، شما باید از این زاویه پدر و مادر را آگاه کنید که اگر بچه بتواند به راحتی صحبت کند و مقصود خود را در قالب قصه بگوید، این یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در زندگی آینده کودک است.»

دهیم. اما فرصت نکردیم هجاها را با حروف تطبیق دهیم. چون کتاب مربی ۳۶۰ صفحه بود، نتوانستیم این کار را انجام دهیم.»

● یکی از مربیان: «استاد به نظرم زنجیره را قطع کردید؟»

ناصری: «اگر بخواهید در مورد کتاب مربی و زبان‌آموزی بگویید که من صادقانه خدمت شما عرض کردم اصل ماجرا چیست.»

● مربی: «به نظرم شکلی که پارسال داشتید خیلی عالی بود.»

ناصری: «شما در سال آینده برای این قضیه مشکلی نخواهید داشت. البته کار دیگری نیز می‌توانید انجام دهید. شاید ایده‌ای را که من از شما گرفتم، در وبگاه پیاده کنم. ما نسخه اصلاح‌شده را تا ماه آینده، با توضیحاتی، روی وبگاه قرار دهیم. چون فقط به کتاب مربی مربوط است و چند صفحه از صفحه‌های آن تغییر خواهد کرد. ما این کار را انجام می‌دهیم. شما می‌توانید به وبگاه مراجعه کنید و آن را ببینید. من صادقانه اصل داستان را خدمت شما عرض کردم.»

● صحبت یکی از حاضران: بودجه‌بندی کتاب‌ها که مشخص است؛ شروع آن از کتاب بدن من و از اول مهر است. در صورتی که شروع کلاس‌های ما از ۱۶ مهرماه است.

● یکی از حاضران: «در مورد صداآموزی صحبت می‌کردید. اولین صداآموزی که ما داشتیم، روی آموزش - بود. بعد در یک جا عینک را در کنار صدای - قرار دادند.» ناصر: «نه. این طور نیست. من باید یک بار دیگر آن را توضیح دهم. ریتم ما، یک ریتم تعریف شده و مشخص بر مبنای دریافت‌های علمی بود. ما در کتاب قبل حرف الفبا را مینا قرار دادیم. هجا هم در کنار آن رفت. اشکالی که در لحظات آخر بر ما گرفتند، این بود که شما حروف الفبا را مینا کرده‌اید و در کتاب‌های نوآموز و راهنمای مربی خودتان حروف ب، پ، ت، ث و... را آورده‌اید. این غلط است. شما باید بر اساس هجاها و بر اساس هجاها بلند و کوتاه کار کنید. ما برای اینکه تأییدیه کتاب خود را دریافت کنیم، چون همه قسمت‌ها تأیید شده بود، ناچار شدیم این کار را انجام

چون مطالب آن‌ها به هم پیوسته نیستند. اما نکته‌ای که من در اینجا متوجه شدم، این است که در داستان زبان‌آموزی، به خاطر اتفاقی که افتاده است، در حال حاضر ما در آواها و حروف، کاری را که قرار است برای سال آینده انجام دهیم، زودتر انجام دهیم و برای شما در وبگاه بارگذاری کنیم.»

● یکی از مربیان منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران: «اگر پیش‌دبستان به عنوان پایه در نظر گرفته شود، مشکل حل می‌شود.»

ناصری: «جای حل مشکلی که شما می‌گویید، شورای عالی آموزش و پرورش است. در آنجا باید قانون پایه‌شدن پیش‌دبستان تصویب شود. در حال حاضر پیش‌دبستان اختیاری است. یعنی چهار تا شش سال اختیاری است. اگر بخواهیم همه از این عدالت آموزشی برخوردار شوند، باید قانون شود و من هم امیدوارم ان‌شاءالله این اتفاق بیفتد.»

● یکی از حاضران: «مشکل دیگر این است که حتی ممکن است کودکی به مهد نرود، ولی مادر یا پدر این کودک در خانه به او حروف الفبا و اعداد را یاد بدهد. من موردی داشتم که این کار را کرده بود و وقتی برای امتحان کودک خود را به دانشگاه شریف برده بود، به او گفته بودند کار اشتباهی کرده‌اید. این کودک در دبستان می‌خواهد چه چیزی را آموزش ببیند؟»

ناصری: «بله. من هم امیدوارم ان‌شاءالله این اتفاق بیفتد تا خیلی از مشکلات حل شوند.»

در پایان این جلسه که در آن پرسش و پاسخ‌های متعدد و متنوعی مطرح شدند. حاضران جلسه از اینکه توانسته بودند از نزدیک با یکی از مؤلفان و دست‌اندرکاران اصلی این بسته تربیت و یادگیری به گفت‌وگو بنشینند و نقطه‌نظرات خود را مطرح و دیدگاه‌های یک کارشناس متخصص در این حوزه را دریافت کنند، اظهار خرسندی می‌کردند. محمد ناصری نیز از اینکه حاضران این کارگاه توانمندسازی در یک روز تعطیل کاری برای ارتقای سطح دانایی و توانایی خود وقت گذاشته بودند، از آنان قدردانی کرد. همچنین، در پایان از حاضران خواست از وبگاه پاپالو به‌طور مستمر بازدید کنند و در جریان تازه‌ترین اطلاعات تحولات و نظرات کارشناسان قرار بگیرند. همچنین دیدگاه‌های خود را با مسئولان وبگاه در میان بگذارند. استفاده از کانال ای‌تا و برخورداری از تجربه‌های مطرح‌شده در آن نیز از دیگر توصیه‌های محمد ناصری بود.



ناصری: «ما در این بسته برای مدت یک ماه بیشتر از زمانی که شما به مراکز پیش‌دبستان دولتی می‌روید، فعالیت آورده‌ایم. چون فقط بعضی از مدرسه‌های غیردولتی هستند که از اول مهرماه کلاس‌های پیش‌دبستان خود را شروع می‌کنند. ما برای آن‌ها این بسته را از ابتدا و از اول مهرماه در نظر گرفته‌ایم. مدرسه‌های دولتی در عمل از تاریخ پانزدهم یا شانزدهم مهرماه فعالیت خود را در پیش‌دبستان شروع می‌کنند.»

● صحبت حاضران: «و تا زمانی که کتاب به دست ما برسد، سه هفته از سال تحصیلی می‌گذرد. یعنی تا زمانی که کتاب به دست نوآموز ما برسد، ما هر ساله سه هفته از سال تحصیلی را از دست می‌دهیم.»

ناصری: «این بحث دیگری است، چون ما کتاب‌ها را در شهریورماه به بعضی از مدرسه‌ها تحویل داده بودیم. نکته دیگر اینکه اگر شما کتاب دنیای من را شروع کنید، دو هفته آخر را اضافه می‌آورید. به دلیل اینکه ریتم آن‌ها به‌صورت هشت هفته تنظیم شده است و شما دو هفته از فروردین را به خاطر تعطیلات عید کلاس ندارید. بنابراین، برای اینکه کتاب دست و بال شما را باز کند، فعالیت‌های آن دو هفته بیشتر است و نظام آن نیز نظام پیمان‌های است. یعنی اگر بعضی هفته‌ها، بعضی از بچه‌ها حضور نداشته باشند و شما آن‌ها را جابه‌جا کنید، برایتان مشکلی پیش نمی‌آید.»

موفقیت مربی در گرو آموزش مستمر و همیشگی اوست

در پایان این جلسه فرصتی فراهم آمد تا با دو تن از شرکت‌کنندگان پرسش‌هایی را در میان بگذاریم. ابتدا با این دو نفر آشنا می‌شویم و سپس پرسش‌ها را با آنان در میان می‌گذاریم و پاسخ‌هایشان را با هم می‌خوانیم.

● سمیه نقوی، فوق‌دیپلم ریاضی

دانش‌آموخته فیلم‌سازی و نمایش خلاق و داستان‌های کودکان است. شاعر و ترانه‌سرا نیز است. در خانه‌های فرهنگ و فرهنگ‌سراها نیز تجربه کار هنری و خلاقانه با کودکان را دارد. مدرک مربیگری دارد و به قول خودش از بد حادثه که به خاطر جابه‌جایی نتوانسته در مراکز فرهنگی هنری به کودکان خدمت کند، در منطقه ۱۸ وارد پیش‌دبستان شده است.

● زهرا امیراحمدی، فوق‌دیپلم تربیت مربی پیش‌دبستان ۱۰ سال سابقه کار دارد و در حال حاضر در پیش‌دبستان میخک (مدرسه ابوزر) فعالیت می‌کند.

● اصولاً دوره‌های آموزشی بازآموزی هر چند وقت یک‌بار برای شما تشکیل می‌شوند و عمده مباحثی که در این دوره‌ها مطرح می‌شوند شامل چه موضوعاتی هستند؟

امیراحمدی: «مسال بار دوم بود. مباحثی مثل بازی، نقوی: «در دوره پیش‌دبستانی، مدیر محترم کلاس‌ها و آموزش‌هایی را برای مربیان برگزار می‌کنند و بنده سال اول فعالیت را در پیش‌دبستم. فعلاً هم جایگزین مربی هستم. مربی قبلی به دلیل بیماری دو ماه مرخصی هستند. یعنی کار بنده توفیق اجباری بود. ولی به آموزش و کار با بچه‌ها علاقه بسیاری دارم.»

● برپایی کارگاه‌های توانمندسازی مانند کارگاهی را که روز پنجشنبه، دهم آبان، برگزار شد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما حضور مربیان در این کارگاه‌ها به افزایش توانایی و قابلیت‌های آنان چه کمکی می‌کند؟

امیراحمدی: «برای من خیلی مفید بود. اطلاعاتم بسیار زیاد شد.»

نقوی: «کارگاه بسیار عالی بود. برگزاری کارگاه‌ها بسیار راهگشا خواهد بود. به‌خصوص برای مربیان نوپا. بنده که استفاده بردم. سپاسگزارم.»

● با توجه به رشد و شکوفایی کودکان نسل امروز، به دلیل پیشرفت‌های علمی و فناوری و ارتباط خوب بچه‌ها با این فناوری‌ها، از نظر شما مربی موفق باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و چگونه خود را آماده کند تا بتواند با چنین بچه‌هایی در ارتباط باشد و در زمینه تربیت و یادگیری آنان موفق عمل کند؟

نقوی: «برگزاری کارگاه‌های آموزشی بسیار مفید و عالی است. آموزش مربی برای نحوه برخورد او با بچه‌ها خیلی آموزنده است. مثلاً اینکه مربی با نوآموز هابیراکتیو‌طور برخورد کند. یا با کودکی که لکنت زبان دارد. من هر دوی این نمونه‌ها را در کلاس خودم دارم.»

در گوگل جست‌وجو کردم. مدیریت هم راهنمایی می‌کنند، ولی احساس می‌کنم بیشتر نیازمند آموزش هستم. به‌خصوص در حوزه روان‌شناسی کودکان و نحوه برخورد با هر کودک، بسیار حائز اهمیت است. از نظر من مربی همواره باید تحت آموزش قرار بگیرد. البته خود ما مربیان درآمد زیادی نداریم که بتوانیم در این کلاس‌ها و دوره‌ها شرکت کنیم. اما دوره‌ها باید گسترده و از طرف مراکز تخصصی مثل مرکز شما برگزار شوند. خیلی خوب است و ما استقبال می‌کنیم. اگر آموزش پرورش آموزش‌های رایگان و هدفمندی برای مربیان برگزار کند، بسیار خوب است. برگزاری کارگاه‌ها فرصتی برای شناسایی مربیان مستعد و باانگیزه است. به امید فردایی سرشار از آرامش برای فرزندان میهن.»

امیراحمدی: «مربی موفق باید آموزش‌ها و ایده‌های به‌روز داشته باشد تا بتواند در این دوران کار خود را خوب انجام بدهد.»

● شما به‌عنوان مربی در طول سال چگونه برنامه‌ریزی می‌کنید تا بتوانید از فایل‌های صوتی تصویری فیلم و کلیپ و امثال آن در این بسته، در مسیر تربیت و یادگیری کودکان به‌خوبی بهره ببرید؟ همچنین استفاده از این فایل‌های صوتی تصویری و امثال آن چه کمکی می‌کند تا شما بتوانید مؤثرتر و بهتر تربیت و یادگیری را در کلاس با بچه‌ها کار کنید؟ امیراحمدی: «من اول هفته تمام کارهایی را که می‌خواهم انجام بدهم برای خودم یادداشت می‌کنم تا طبق برنامه‌ریزی‌ای که کرده‌ام پیش بروم.»

● به نظر شما لوحه‌های این بسته تربیت و یادگیری چه کمکی می‌کند تا در تربیت و یادگیری موفق‌تر عمل و توجه کودکان را به بازی و سرگرمی بیشتر جلب کنید؟ اصولاً این فعالیت به کمک لوحه‌ها تسهیل می‌شود؟

امیراحمدی: «بله لوحه‌ها خیلی خوب هستند. بچه‌ها تصویرها را می‌بینند و با هم درباره آن‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کنیم.»

● به نظر شما وجود کتاب اختصاصی والدین، برای آشنایی آن‌ها با فعالیت‌های مربیان در پیش‌دبستان و نیز در کار شما مفید و مؤثر است و ارتباط خانه را با پیش‌دبستان نزدیک‌تر و تسهیل می‌کند؟

امیراحمدی: «بله. راحت‌تر می‌کند؛ البته در صورتی که خانواده‌ها همکاری کنند، نه دخالت در آموزش.»

از اینکه به این پرسش‌های این میزگرد پاسخ دادید، صمیمانه سپاسگزاریم.